



بن بست قدرت (۲)

یکی از مهمترین مسائل که در سیستم تمرکز خشیدن به امور تحت رهبری کا بنه بید مورد توجه قرار گیرد این است که در هر حلقه ای که از نیمه دوم سال ۶۰ آغاز میشود و ائتلاف جدید شکل میگیرد ما با کمترین نفوذ ارگانهای بنام شورای عالی و همچنین تشکیل شوراهای عالی جدید اعم از اقتصاد، توزیع تبلیغات و فرهنگ مواجه هستیم. این شوراهای مرکز جمع و شکل گیری قدرت ائتلاف جدید هستند در خدمت جمع آوری ارگانها و نهادها متعدد تحت مرکزیتی واحد ایجاد میشوند. این شوراهای عالی ارگانهای گذار و واسطه ما بین دوره بهم ریختگی ناشی از وقوع انقلابات و نظام انقلابی بقدر صفحه ۲

تراژدی خاورمیانه

خاورمیانه با فاجعه ای عظیم روبروست. فاجعه مسلطه ارتجاع تمام نیروهای ارتجاعی منطقه و جهان از تحولات سیاسی اخیر خاورمیانه که در پی حمله خیر اسرائیل به لبنان و اخراج رزمندگان فلسطینی بیخ آمد، بوجد آمد و برابر از ضعف و شادمانی می کنند. در شرایطی که چکمه های مزدوران صهیونیست در خون کودکان و زنان، پیروزان و سالخورده گان فلسطین غرق است و در شرایطی که سلاخان صهیونیست بر ویرانه های اردوگاههای خلق فلسطین و بر فراز گورهای دست جمعی کشتارشدگان جشن برپا کرده اند مرتجعین سراسر جهان به ریگان این سبب ارتجاع جهانی بخاطر پیروزیهای سیاسی و دیپلماتیک تهنیت میگویند. بلندگوهای تبلیغاتی ضد انقلاب جهانی از پیروزی بزرگ سخن میگویند و این در شرایطی است که فضای لبنان را آسزبای بقدر صفحه ۲

قسمت دوم

اعتصاب عمومی سیاسی

کرد موافق مشترکی که کارگران را در حرکت بمنوان توده های یک طبقه متشکل کرده بقدر صفحه ۱۳

پیروان روح فعال سیاسی که در توده ها بارور شده و مسائل و مشکلات مشترک که توده ها را در حسین مبارز بهم نزدیک کرد

خطاب به مبلغین

در این شماره

جشن کارگری

در صفحه ۳

یادداشت های سیاسی

۱. بازگشائی مدارس

۲. ضیافت سرمایه داران

در صفحه ۴

جبهتش مقاومت
خلق کرد

در صفحه ۱۸

کمیته های محلی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

از صدای چند تن آور
 زنجیرهای بولد وزر که آخرین بقایای
 قتل عام رامپوشاند ، با فریاد خشم
 فروخته خلیق فلسطین و شیون وزاری
 معدود بازماندگان پوشانید فاست .
 تمام نیروهای انقلابی جهان ، همه
 کسانی که صد گرگونی انقلابی جهان
 به راهی بشریت از یوغ ستم و استثمار
 ، امپریالیسم و ارتجاع ایمان دارند
 تاسف خود از تحولاتی که به زبان
 نیروهای انقلابی منطقه بوقوع
 پیوست ابراز میدارند و بدین طریق
 همدردی خود را بویژه با خلق قهرمان
 فلسطین نشان میدهند . امانه
 ابراز تاسف و تهنات اعلام همدردی و -
 پشتیبانی از خلق فلسطین هیچیک
 به تنهایی کافی نیست ، باید که
 ریشه های اجتماعی - تاریخی و عدل
 این شکست که باید بر آن نام بیک
 تراژدی و فاجعه بزرگ تاریخی گذاشت
 روشن گردد . باید با این ستوالات
 پاسخ داد و شود که چگونه پس از سالها
 مبارزه و قهرمانی خلقهای منطقه بویژه
 خلق فلسطین ، اکنون سراسر منطقه
 خاورمیانه و خلیج فارس جولانگاه
 امپریالیسم و ارتجاع شده است ؟
 چرا یکی از مهمترین کانونهای مبارزه
 انقلابی در سطح جهان با آنها همه
 سابقه مبارزه در برابر تعرض امپریالیزم
 تاب مقاومت را از دست میدهد ؟ و
 سرانجام مسئولیت این فاجعه
 غم انگیز بر عهد و چه کسانی است و
 چه در رسهایی باید از آن آموخت ؟

خاورمیانه در زمره مناطقی است که
 بنا به علل اقتصادی ، سیاسی و نظامی
 در عرصه سبب استیلا بین المللی از
 اهمیت استراتژیک ویژه ای برخوردار
 است . بر این منطقه سالیهاست که به
 اشکال گوناگون تحت سلطه
 امپریالیسم قرار داشته و بنا به اهمیت
 اقتصادی و نظامی خود ، نقش نفت
 در سیستم جهانی غارت امپریالیستی
 و موقعیت استراتژیک منطقه بیمنوان
 پل ارتباطی آسیا به آفریقا ، اروپا و
 شبه قاره هند جایگاه ویژه ای در -
 استراتژی راهزنانه و غارتگرانه
 امپریالیسم اشغال کرده است .
 سلطه طولانی امپریالیسم بر کشورهای
 منطقه و سازماندهی آنها بر اساس
 تولید واحد نفت در سیستم جهانی
 تقسیم کار اقتصاد امپریالیستی ، منجر
 به عقب افتادگی اقتصادی ایمن
 کشورها و وابستگی آنها به سرمایه
 مالی جهانی (که با هزاران رشته مرفی
 و نامرفی این کشورها را در مسدود
 اقتصاد جهانی امپریالیستی محصور

تراژدی

بقیه از صفحه ۱

کرد هاست . گشته است . تردیدی
 نیست که این وابستگی اقتصادی
 کشورهای منطقه به سیستم جهانی
 اقتصاد امپریالیستی و سرمایه مالی
 جهانی منجر به وابستگی سیاسی این
 کشورها و استقرار رژیمهای بکلی
 سرسپرد و در غالب کشورهای منطقه
 شده است .

اما ستم و غارت امپریالیستی ،
 نمیتوانست ، منجر به یک مبارزه ضد
 امپریالیستی و ضد ارتجاعی خلقهای
 منطقه نگردد . از این رو مبارزه خلقهای
 این منطقه علیه سلطه امپریالیسم و
 رژیمهای دست نشانده پس از جنگ
 جهانی اول شدت گرفت ، و پس از
 جنگ جهانی دوم و ایجاد شرایط
 مساعد بین المللی برای نیروهای
 انقلابی جهان و به زبان نیروهای
 ارتجاعی جهان گریز و فرار خود رسیده در
 این میان شکل گیری دولت صهیونیستی
 اسرائیل و در مقابل آن جنبش انقلابی
 خلق فلسطین به مبارزات خلقهای
 این منطقه علیه امپریالیسم و ارتجاع
 ابعاد تازه ای بخشید . اما این
 جنبش ها از همان آغاز از یک کمبود
 واقعی رنج میدور . این کمبود فقدان
 نقش رهبری کننده و طبقه کارگر و فقدان
 یک خط و مشی بکلی انقلابی بود .

ضعف عینی و ذهنی طبقه کارگر ،
 تسلط ساختهای ماقبل سرمایه داری
 تا حد ساختهای هشمرتی در برخی از
 کشورهای این منطقه و در نتیجه نقش
 بسیار محدود کارگران در روند گسی
 اقتصاد و این جوامع و از سوی دیگر
 ناتوانی احزاب کمونیست در هدایت
 و رهبری مبارزه ضد امپریالیستی
 بود و این منطقه منجر به تقویت روز
 افزون نقش بورژوازی و خرد بورژوازی
 در رهبری این مبارزه تحت لوای
 ناسیونالیسم عربی گردید . بدین ریح
 که این جنبشها اوج میگرفت ، در برخی
 کشورهای منطقه ، دولت های ملی بکلی
 شرکت بورژوازی ملی و خرد بورژوازی
 بر سر کار آمد و در محدود و معینی که
 خرد بورژوازی قادر به مبارزه بکلی
 امپریالیسم است ، نقشی مترقی در
 منطقه ایفا کردند . اما روشن بود
 که این دولتها بنا به سرشت طبقاتی
 خود نمی توانستند ، پیگیران مبارزه
 خود را آماده و نتوانند و هارا تنها

پیروزی نهایی رهبری کنند ، از این رو
 بزودی جنبه طبقاتی مبارزه شد پیدا
 تحت الشعاع مبارزه ملی قرار گرفت و
 مبارزه ملی نیز بار شد بورژوازی در این
 کشورها و تمایل به سازش و محافظه
 کاری اهمیت واقعی خود را از دست
 داد . در همین ایام نیز عاظمی دیگر
 مزید بر علت شد . احزاب کمونیست
 خاورمیانه که میتوانستند با اعمال یک
 سیاست انقلابی در پیشاپیش جنبش
 قرار گیرند و مانع شکست آن گردند
 تسلیم سیاستهای تجدید نظر طلبانه
 و فرصت طلبانه خرد و خرد شده و بسا
 پدید برش را هر شد غیر سرمایه داری ابدی
 خرد و خرد و تعیین کنندگی رقابت
 اقتصاد و در مبارزه میان د وارد و گاه
 از خط و مشی انقلابی عدول کردند و
 کم کم به زائند ههای خرد بورژوازی
 و بورژوازی بدل شدند .

در چنین شرایطی جنبش فلسطین
 نیز نمی توانست ، از شرایط حاکم بر
 جنبش انقلابی خلقهای منطقه عقب و ر
 بایرد . رهبری این جنبش نیز در دست
 بورژوازی و خرد بورژوازی قرار گرفت و
 با گذشت زمان مدام از جنبه های
 طبقاتی و انقلابی این مبارزه کاسته شد
 و جنبه های محافظه کارانه آن رشد کرد ،
 بنحوی که در این اواخر رهبری این
 جنبش بعضی اتخاذ یک خط و مشی
 انقلابی و اتکاب بر توده های عرب به
 مسیر بند و بست های دیپلماتیک و
 نزدیکی هر چه بیشتر با دولت های مرتجع
 عرب کشید ه شد . آنها نیز با کمکهای
 مالی و متحدی حمایت سیاسی و
 دیپلماتیک از جنبش فلسطین
 میکوشیدند ، با دامن زدن به ناسیونالیسم
 - لیسم عربی که اکنون در پیکر هر گونه
 محتوای انقلابی تهی گشته و بصورت
 ایدئولوژی بورژوازی عرب درآمد
 است ، مانع رشد مبارزه طبقاتی در
 منطقه شد و جنبش فلسطین را نیز از
 مسیر انقلابی خود ، که میتوانست ،
 تأثیری انقلابی بر سراسر منطقه بر جای
 بگذارد ، منحرف سازند . اوضاع بر
 این منوال بود که انقلاب ایران پارچه
 امید و در سراسر منطقه پدید آورد .

درست در آنگام که تحولاتی
 بطئی و آرام به زبان نیروهای انقلابی
 در منطقه در حال شکل گرفتن بود و
 سرسپردگی سران مصر زمینه های یک
 تحول سیاسی ارتجاعی را در منطقه
 فراهم میکرد ، انقلاب ایران همانند
 زمین لرزه ای نیرومند سراسر منطقه را
 به لرزه در آورد جنبشهای انقلابی
 منطقه محرکی تازه یافت و با سرنگونی
 بقیه در صفحه ۱۲

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

جنش کارگری



تمامی این عدلها عوامل رژیم بودند. رژیم از تا کسیرانان خواست تا ۹ نفر از این عدلها برای تعاونی انتخاب نمایند.

روز ۹ شهریور قریب ۷ هزار نفر از تا کسیرانان بار و حیله عالی و حاکمات تعرضی در چهار راه طالقانی - مصدق اجتماع نمودند. رژیم تصور میکرد میتواند با انتخابات قلابی عوامل خود را بر سر نوشت تا کسیرانان حاکم گرداند اما برعکس تا کسیرانان آمد بودند تا با عوامل رژیم تصفیه حساب نمایند. تا کسیرانان در اولین فرصت بر علیه حذف کنندید آنها اعتراض نمودند. گروه گروه تا کسی - رانان اجتماع کردند و دست به افشاکاری علیه نمایندگان انتصابی قلیو و نیز انجمن اسلامی و کاندیداهای فعلی زدند. عدلهای میگفتند " اینها پاسدارند که به لباس مادر آمدند." کم کم اجتماع تا کسیرانان تبدیل به حرکت اعتراضی علیه شهر داری گردید تا کسیرانان خواستار کوتاه شدن - بقیه در صفحه ۱۱

انتخابات فرمایشی تعاونی

با تخریب فعال تا کسیرانان، در هم شکست

و مبارز و دادن آنها به عوامل خود از جمله پاسداران کوشش نمود حد اقل پایگاهی برای خود دست و پا کند. بر از آن رژیم تاریخ انتخابات را اعلام نمود و از رانندگان خواست که کاندیداهای خود را معرفی نمایند تا صلاحیت آنها مورد تأیید قرار گیرد. حدود ۱۰۰ نفر خود را کاندید نمودند لیکن رژیم از این تعداد فقط صلاحیت ۴ نفر را تأیید نمود که بیش از ۲ نفر آنها از عناصر معلوم الحال و عوامل رژیم بودند بقیه کاندیداهای لایزال نامعلوم ا حذف شدند. رژیم تصور میکرد با این حیله خواهد توانست عوامل خود را حاکم بر سر نوشت تا کسیرانان نماید. لذا واسطه مرداد ماه تاریخ انتخابات - اعلام داشت. حدود ۲ هزار نفر در تاریخ فوق در پارک شهر اجتماع نمودند. لیکن چون حد نصاب لازم در انتخابات شرکت نکرد نبودند. انتخابات برگزار نشد. تا کسیرانان از فرصت اجتماع استفاده نمودند و به افشاء انجمن اسلامی و عوامل رژیم پرداختند.

تاریخ انتخابات در ور بعد برای ۹ شهریور تعیین گردید. اما رژیم که روحیه مبارزاتی تا کسیرانان را دیده بود شدیدا به وحشت افتاده و دست به اقدام احمقانه دیگری زد، بطوریکه از ۴ کاندیدای مورد تأیید خود تنها ۹ نفر را باقی نمود و بقیه را حذف کرد.

تا کسیرانان زحمتکش همانند سایر زحمتکشان میهنمان، پس از قیام خواهان بر آوردن شدن خواستههای برحق خویش بود و برای کسیرانان حقوقشان چندین بار دست به اعتصاب و اعتراض زد هاند. خواستههای عمده تا کسیرانان، بیمه بازنشستگی - تامین مسایل پدگی - انتخابات آزاد نمایندگان واقعی تا کسیرانان برای تعاونی و حسابرسی دقیق اموال شرکت - مجازات غارتگرانی که از جانب رژیم ضد خلقی شاه حمایت میشدند بود هاست. مبارزه تا کسیرانان پس از قیام، رژیم جمهوری اسلامی را محبور به عقب نشینی نمود و در اواخر سال ۹ ه اعلام داشت که انتخابات تا کسیرانان جهت انتخاب نمایندده در اوایل سال ۶ برگزار خواهد شد اعلام این خبر موجب شد تا تمام محفلهای تا کسیرانان به کانونهای افشاکاری علیه رژیم تبدیل شود. افشاء انجمن اسلامی و نمایندگان انتصابی دولت نشان داد که رژیم از پایگاهی در میان تا کسیرانان برخوردار نیست. لذا کوشش برای جلوگیری از انتخابات آزاد آغاز شد. با آنکه رژیم قول برگزاری انتخابات در اوایل سال ۶ را داده بود اما به وعده خود عمل ننمود. همراه با یورش رژیم برای سرکوب توده ها و نیروهای انقلابی در میان صنایع تا کسیران نیز دست به حیله کشی زد. بطوریکه با مصادره تا کسی عناصر پیشرو

اخبار کوتاه کارگری

پاریس متال ۱۲/۵/۶۱ : روز پنجشنبه کارت ساعت ۱۱ نفر از کارگران را بر داشته بودند از این عدله برخی اعضای سابق شور بودند. برخی از آنان نیز گویا در تهیه طوماری که منجر به برکناری سرپرست حزب اللهبی قسمیشان شده بود شرکت داشته اند. بدنیال این امر این عدله به دفتر مدبر رفتند و اعتراض میکنند و مدبر را به نام میگیرند. رسیدگی به کار این زحمتکشان به روزهای بعد موکول شده است.

دین با کستر ۲/۵/۶۱ : عدلهای (حدود ۵۰ نفر) از کارگران ساختمانی بعلت تقاضای جمعی در مورد پرداخت حقوق روزهای جمعه و بیمه توسط مدبر اخذی اخراج شده اند.

قزوه زینا او اخر مرداد : انجمن اسلامی از کارگران دعوت کرد تا چند نماینده همراهمی شرکت در انجمن اسلامی از بین خود انتخاب کنند. کارگران با طرح این مساله که این کار به نفعی انتخاب جاسوس حاضر به انتخاب نشدند و تنها یک نفر خودشان کاندیدای این عمل شد.

قزوه زینا ۳/۶/۶۱ : تقریبا تمامی

کارگران (حدود ۱۰۰۰ نفر) بعلت اعتراض به کیفیت پایین صبحانه از خوردن آن خودداری کردند فردای همان روز صبح به کارگران جلو مرغ دادند و پس از آن نیز کیفیت صبحانه بهتر شد.

راه آهن ۹/۶/۶۱ : در یکی از قسمتها نماینده بسیج وزارت کار برای تشکیل انجمن اسلامی به کارخانه آمد و پس از صحبت های مفصل در مورد وظایف انجمن از کارگران میخواهد تا برای عضویت در انجمن کاندید باشند هیچکس حاضر به عضویت در انجمن نشد و این مساله اکنون به فراموشی سپرده شده است.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

۱. بازگشائی مدارس

اول مهر ماه بار دیگر مدارس باز شد. بار دیگر صد و یک میلیون دانش آموز گرد هم آمدند. رژیم جمهوری اسلامی مدتهاست که در مدارس هیچگونه پایگاهی ندارد. این سالها نه تنها بر خاسته‌ها را نیست که رژیم پایگاه خود را در میان وسیعترین اقشار توده‌ها آزاد ست دارد. است بلکه ویژگی دانش آموزان جوان سیاسی بودن آنها، تجربه وسیعشان در رابطه با انقلاب بعنوان یکی از فعالترین اقشار شرکت کنند در اعتراضات و مبارزات خیابانی و... نیز این امور را تشدید میکند. وحشت بی پایان رژیم در رابطه با مدارس نیز از همین روست. پیام خمینی در رابطه با بازگشائی مدارس تلویحی این وحشت است. خمینی در پیامش که گویی با چشمانی برون آمدن از حد قه نوشته شده است همراه با مراقبت و جاسوسی از همدیگر فرامیخواند، دانش آموزان را به مراقبت از معلمین و دبیران، معلمین و دبیران را به جاسوسی از دانش آموزان، مریدان امور تربیتی را به جاسوسی از تمام آنها، دانش آموزان را به مراقبت از یکدیگر و همچنین دبیران و معلمین را به زیر نظر گرفتن هم، والدین را به زیر نظر داشتن فرزندان، و مسلما همانگونه که در رساله قبل شاهد بودیم فرزندان را به جاسوسی کردن از والدین و خانواده، خلاصه مطلب خمینی که بیش از پیش سراسیمه مینماید همراه با زیر نظر داشتن یکدیگر میخواند و این از آن روست که گروه‌های چپی روسی و امریکایی و منافقین ممکن است همراهِ فریب دهند، از آن روست که دشمن ممکن است نفوذ کند و دانش آموزان معلم ویا هر دو را به گروه‌های خود جذب نماید. در اینجا خمینی گوشه‌ای را نیز به این امر اختصاص میدهد که گویا "آن پدر و پسر" موفق شده‌اند بخوبی دانش آموزان و دانشجویان را با روحانیون دشمن کنند و توصیه میکنند دانش آموزان این امر را در خود بزرابند. باید گفت این وحشت که سرایای وجود رژیم، و از آنجمله خمینی را فرا گرفته است بجلست

این امر تیلور مادی خود را در کنترل وسیع پلیسی و حتی نظامی مدارس می‌یابد. رژیم میکوشد چون سال قبل و حتی شدیدتر از آن مدارس را به پارکائی حفاظت شده و یا به زندانی غیر رسمی بدل سازد. تفتیش بدنی، بد آنگونه که پیشگشتن بزرگ بزرگ کتب به تفتیش در لایه‌های غذای ظهر دانش آموزان نیز انجام مید، بکارگیری جاسوسان بقیه در صفحه ۵

یادداشت‌های سیاسی...



۱۱. "ضیافت سرمایه داران"

در نشریه کار شماره ۱۵۶ گفتیم "با هر چه فقیر شدن صف بندیهای طبقاتی، با صف آرای هر چه وسیعتر توده‌ها در مقابل رژیم، بارنگ باختن کامل آرزوهای چون برادری و برابری همگانی رژیم که دیگر سودی در حفظ ماسک انقلاب ندارد. اینجند چهره گریه و غریبان خود را به نمایش در آورده است. پاسداری از نظم سرمایه داران کنار زدن ماسک انقلاب، دعوت صریح و بی پرده از سرمایه داران جهت بهره‌کشی از محیط مساعد سرمایه گذاری آنچنان از روند سرمایه‌داری برخوردار است که میتوان گفت در هفته‌های اخیر گذشتگان عوایدی درونی - محور اصلی بحث سران را تشکیل میداد. رژیم اینک از تمامی منابع و ابزارهای دیگر تریبونهای خود به ارسال کارت برای سرمایه داران و دعوت آنان به میهمانی نظم و امنیت و جپاول و استثمار مشغول است - داشتن گلاشه‌ری برای حضور در میهمانی ضروری است!

توکلی "وزیر کار" بار دیگر را به زمین‌پشتاز است. وی در سخنرانی خود برای جمعی از نمایندگان سرمایه داران که در سمینار مدبران گل‌کار و امور اجتماعی جمع آمده‌اند میگوید - اگر اطمینان اقتصادی برای سرمایه گذاری در تولید توسط تبلیغاتچی - ها و چپ زد های آمریکایی از بین نمریت تورم پولی... را میشد با اجرای سیاست ویرانه‌ریزیهای صحیح و جذب آنها در تولید کم کرد و با گردش سرمایه در تولید موجب رونق اقتصادی شد. صعی ما بر این است که ایمن اطمینان را مجدداً بر گردانیم خصوصاً برای آن دست‌ها ز سر ما بداران - مسلمان و متعهد و با ابرو که بدلیل جو سازیم کار گرفته‌وه... (کیهان - ۱۷/۶/۶۱) در همین حول و حوش معاون امریکایی وزارت امور اقتصادی و دارایی، امیراصلانی، نیز در سمینار بررسی مسائل صنایع کشور، نویسد میدهد که بعد از این بانگها باید با هم رقابت کنند و هر بانگی که تسهیلات بهتری در اختیار مشتری بگذارد

میتواند آنها را حدب کند (اطلاعات ۱۵/۶/۷) و هاشمی وزیر صنایع نیز در مورد کمک به بخش خصوصی میگوید "دولت در این زمینه همه گونه تسهیلات لازم را جهت رخصه پرداخت وام - بانکی طبق ضوابط بانگها و جهت مورد مسالکات و برقریری بخش خصوصی فراهم خواهد آورد..." (اطلاعات ۲۱/۶/۷)

این پنجه‌های قدرتمند بحران است که با افزایش فشار خود بر گلوئی رژیم بدینگونه برده‌ها را میدرد. و باعث میگردد نه تنها ولت مردان کابینه - بدینگونه غریبان سنگ سرمایه‌ها بر سینه‌های خود خرد کنند بلکه سران "خط امام" نیز میکوشند حداقل مضمون اصلی فرمایشی را که می‌طلهند برای سرمایه داران توضیح دهند، بگویند روشن سازند که خواست آنان تنها مهار زدن بر اژدهای انقلاب است و بس و گرنه جسارتی در بارگاه مالکیت و سرمایه‌ها هیچ روی نمی‌پسندند.

هاشمی رفسنجانی، که مدتهاست "خط امام را از نظر اقتصادی - اجتماعی در نمازهای جمعه "تشریح" میکند در همین رابطه میگوید "اگر ما مجبور میشویم در قانون اساسی بگنجانیم که تجارت خارجی باید در ولتی شود، اگر مجبور میشویم تمام و نهیها را در قانون اساسی بگنجانیم و مجبور میشویم... علتش چیست؟... اگر این زد بیانی شد اگر ایمن احتکارها و بازاریاسیها پیدا نمیشد... هیچ نیازی به این حرفها نبود این نیروها بی که خرج کارهای اداری میشود منتقل میشد به بخش جهاد به بخش تولید و میرفت در نیال کارش اگر حرفهای هاشمی رفسنجانی را که هنوز نیا موخته سرمایه داران تا چه حد باید به صراحت سخن گفت به زبان صریح و روشن توکلی و یاد بگرد ولت مردان کابینه بر گردانیم بدینگونه میشود که "مشکل اصلی ما اینست که سرمایه‌ها تمامایسوی بخش تجاری، خدماتی، و بسوی احتکار و بازاریاسی مروی آورده‌اند. اگر این سرمایه‌ها در بخش تولید منتقل شوند دیگر ما هم مجبور نمیشویم بقیه در صفحه ۵

کمیته‌های محقی مقاومت را باید در هر شیرو روسا ایجاد کنیم

یادداشت‌های

۱. مدارس . . . بقیه از صفحه ۶

حزب الهی در لباس انجمن اسلامی و یا شگردی جدید تریحی ثبت نام چند بسیجی در مدرسه، تقویت این امر به وسیله امور تربیتی یعنی جاسوسان حرفه‌ای و تعلیم یافته و علاوه بر آن اخذ تعهد نامه از دانش‌آموزان مبنی بر عدم فعالیت سیاسی، ارائه پرسشنامه‌های پرستشنامه جهت تفتیش کامل عقاید، جهت آگاهی از تمامی زوایای خانوادگی و فامیلی دانش‌آموز، تحقیق محلی در مورد معلمان که همانا الزام به تائید آنان از سوی نهادهای انقلابی و یا مسجد محل است و . . . تماما وسایل و ابزار رژیم در این رابطه است.

اما تجربه رژیم خاصه در سال گذشته بسیار نگرانست که تمامی این ابزار به هیچ روی قادر به کنترل نیروهای انقلابی در مدارس نیست، سستی است که منافذ بسیاری جهت عبور ایدهای انقلابی در است و از سوی دیگر تنها شکل دفاعی است، کشیدن حفاظ در در دانش‌آموزان جهت جلوگیری از رشد نیروهای پیشرو، از همین رژیم میکوشد در جوار تمامی این تصدیقات، بموازات زد و دزدن آثار انقلاب در جامعه سیاسی است. جدا این درس از سیاست را بشکلی وسیع در مدارس پیش برود. تاکیدات تمامی سران رژیم در نطقهای اول مهرشان بهمین دلیل است. "مدرسه‌های سنگریزی است برای درین خواندن سنگریزی که سیاست را در آن راهی نباید جهاد دانش‌آموز در رس خواندن است" از انقلاب اینک چنین است و . . .

پیشروان انقلابی در رابطه با دانش‌آموزان با منعی عظیم از نیرو روبروست نیرویی که جهت وقوف به قدرت، تحریک و نقش آن در انقلاب کافیت نگرشی بر تجربه قیام بهمن ماه داشت. نیرویی که سازماندهی آن در جهت انقلاب و برزیر پرچم پرولتاریا از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این رابطه نکاتی چند نیازمند تاکید مجدد است.

با اینکه هر مدرسه در صورت عدم وجود - هسته‌ای متشکل از دانش‌آموزان انقلابی را بعنوان نقطه شکل وسیع دانش‌آموزان سازمان داد و بدین طریق هسته اصلی کمیته مخفی مدرسه را ایجاد نمود. این اولین گامی است که پیش روی دانش‌آموزان هوادار قرار دارد. در این رابطه علاوه بر برنامه عمل سازمان مقالاتی از

نشریه کار نیز که در مورد نقش و ویژگی‌های کمیته‌های مخفی است رفا را یاری میکند.

باید تبلیغ انقلابی را در مدرسه سازمان داد. سری مقالات خطاب به مبلغین، مقاله‌ها، مدرسه‌ها باید کرد (در نشریه کار) جهت اشکال پیشبرد این امر ارگان سازمان جهت هدایت این حرکت مشخص کردن - محور و خط آن رفا را یاری می‌سازد. باید گفت پیشبرد تبلیغ انقلابی در مدارس در شرایط کنونی وظایف متعددی را بر دوش دارد. - بریدن مواضع سازمان به میان دانش‌آموزان و انطباق این مواضع و تحلیلها با هر مساله مشخص، ارائه نمود عمل در جهت تشکل و مبارزه به دانش‌آموزان و انگشت نهادن بر هر مورد خاص جهت

برانگیختن یک حرکت مبارزاتی، رسانیدن اخبار جنبش و در این رابطه شکل دادن پیوند بین مبارزات تمامی دانش‌آموزان با یکدیگر و یاد نگرفتن و طبقات خلق از جمله این وظایف است اما در موقعیت مشخص

کنونی پیشبرد تبلیغ انقلابی در مدرسه نقش ویژه و پر اهمیتی نیز می‌یابد و آن شکستن جوهر غیب و وحشتی است که هنوز سا به رنگ پریده هاش بر سر توده‌ها باقیست. بیان حضور پیشرو، عریان ساختن عطی این حقیقت که راه برای مبارزه و حرکت باز است و زور سلاح و جوهره‌ها هیچ غلطی نمیتواند بکنند. این وجه از مساله نقش بسزایی در آزاد ساختن نیروهای بالقوه موجود در دانش‌آموزان خواهد داشت.

مسلماد این رابطه بسته به میزان تشکل و سازمانیافتگی نیروی پیشرو و همچنین شرایط مشخص موجود حرکت تبلیغی ایجاد متفاوتی از نوشتن پیکر شعار در مدرسه، توزیع مداوم اعلامیه و دستنویس تا ترور سرخ مزدوران و عوامل مشغور رژیم کسدر راه مبارزات انقلابی دانش‌آموزان را بخود خواهد گرفت.

یک نکته دیگر نیز باقیست و آن مساله کلیدی در شرایط کنونی، یعنی تاکید ویژه بر سازماندهی نیروهاست. آزاد سازی نیروی و روی آوری فعال آن به انقلاب تنها مرحله‌ای از عمل است اما جهت پیشبرد روند انقلاب در مکرراتیک خلق به مثابه انقلابی آگاهانه و سازمانیافته و نه خود بخود سازماندهی نیروهای آزاد شده اهمیت بسیار دارد. انقلاب در مکرراتیک خلق را توده‌های وسیع اما بی شکلی که بصورت فعال به میدان کشیدند

شوند و توسط رهبری کوچک و فشرده هدایت گردند به نظر نخواهند رسید بلکه اینبار وسیعترین سازمانیافتگی ممکن لازم است تا بتوان رهبری پرولتاریا را بر جنبش اعمال کرد و تا بتوان روند آگاهانه انقلاب را به پیش برد. از همین روست که بر ضرورت تشکیلات کمیته‌های مخفی و اختصاص وسیعترین نیرو جهت رشد دادن آن وسیعترین وسیعترین توده‌ها بر گرد آن پای می‌نشانیم، بگذر از این عمل ما خمینی و دیگر سران رژیم بر خود بلرزند. بگذر از ارگان پوشاک رژیم از سازمانیابی توده‌ها به بلرزها فترد.

۱۱. ضیافت . . . بقیه از صفحه ۶

دولتی شدن تجارت خارجی، تعارضات آنها و . . . راد قانون بیجانیم و تمام اینها می‌رود در نیال کارش

ها شمی رفسنجانی جهت نشان دادن هر چه بیشتر خیر خواهی خود به سرمایه‌داران تاکید میکند که تمامی اعمال انجام شده و طرحهای ارائه شده جهت جلوگیری از انفجار توده‌ها، جهت مبارزه با انقلاب بوده است و پس او میگوید "آقایان کاسبها، تاجرها، پولدارها، کارخانه‌دارها، اگر دولت نمی‌رسید، اگر دولت سهمیه بندی نمی‌کرد، اگر دولت یک حد اقلی برای محرومان در نظر نمی‌گرفت ایمن محرومان که صبر نمی‌کردند . . . در یک حدی منفجر میشدند و همه چیز را از دست همه می‌گرفتند" (اطلاعات - ۱۳/۶/۶۱)

برای تکمیل شدن امضاها در پای کارت دعوت منتظری نیز نیاز به میدان مینهد، و به روش خاص خود سرمایه‌داران را کلا گامی مثبت در جهت خود - کفایی و در نتیجه عبادتی بزرگ و خدمتی به محرومین! مینماید و میگوید "برای رفع مایحتاج ضروری و تامین مواد غذایی مورد نیاز جامعه بجااست که بخشهای خصوصی برای سرمایه‌گذاری تشویق شوند و دولت نیز در این زمینه کمکهای لازم را به بخش خصوصی بنماید . . . صاحبان بخشهای خصوصی نیز باید سعی کنند سرمایه‌های خود را در کارهای بکار گیرند که نیاز جامعه را بر طرف می‌سازد که این خود خدمت و عبادتی است بزرگ به محرومین و مستضعفین" (کیهان - ۲۴/۶/۷)

بدین طریق جناحهای مختلف رژیم با حفظ اختلافات تاکتیکی خود برزیر چک سفیدی در وجه سرمایه‌داران بخش خصوصی امضاء مینهند و دعوت خود از آنان جهت پراهناندازی چرخ بقیه در صفحه ۶



یادداشت‌های

بقیة از صفحه ۵

۱۱. ضیافت ...

تولید و بهره‌گیری از مواهب شرعی، یعنی سودهای حلال با تضمین ارائه اعتبارات نامحدود و تسهیلاتی چون آب و برق، حذف موارد زائد و حیاری چون تعاقب و نهب و ولت و غیره، آزاد نهادن رقابت جهت گردش سالمتر سرمایه را تجدید میکنند. مسلم است حفاظت از نظم و امنیت مهمانی نیز بعهد هر دستگاهی و طویل سرکوب و جاسوسی است.

اما رژیم نقش بر آب میزند و مشت در هوا می‌کوبد. از سوی روشن است که با بحران موجود، کمبود ارز، ورشکستگی مفرط، با عدم قدرت تأمین عملی نیازهای حداقل کارخانجات چون برق و آب سوخت و یا قوزبالا قوزی چون جنگ که نه میشود آنرا هرگز، چون دیگر سنگ روی سنگ بند نمیشود، و نه میشود آنرا درآمد چون تمامی تنه موجودی دولت را نیز میزند و پولی جهت ارائه اعتبارات و خدمات به سرمایه‌داران نمی‌نهد نمیتوان سرمایه‌داران را فریفت و آنان را با وعده‌های شیرین وادار کرد دست از مشاغل بر سودی چون دلالی و تجارت و احتکار که متضمن بازگشت سرمایه سرمایه‌نیز هست بشویند و بسوی تولید روانه گردند یعنی خود را پای تولید کارخانه‌ها هزاران در در سر چون درصد بالای سرمایه ثابت و درگیری با کارگران نمایند آنها در شرایطی که هنوز "مبارزه با احتکار و گرانی آنچنان است که بر رونق بازار می‌فزاید و به مجرد اوگیری این مبارزه به قیمت هر قلم جنس چون سیگار و روغن و برنج و یا بخاری و یخچال و دیگر لوازم درصدی اضافه میگردد.

از سوی دیگر باز هم روشن است که برقراری نظم و امنیت زمانی که با هزاران رگبار مسلسل و جوخه اعدا م مسر نشد است با صد و اعلامیه و اطلاعیه و یا با تعلق و سخنرانی تأمین نمی‌گردد. سرمایه‌داران نیز آنگونه چشم و گوش بسته نیستند که صدای شلیک صدای تیر در سطح شهرها را نشنوند و آگهی‌های تحریم حزب الهی‌ها را نبینند، وحشت

مزدوران رژیم در سطح خیابانها را درك نکنند و تراشیدن بر سرشان پاسد اران و انجمن اسلامیه را نشنوند و فقط به نطق‌های سران در رابطه با برقراری نظم و امنیت و ثبات بسنده کنند. از همین روست که رژیم اینگونه ناز میکشد و در باغ سبز نشان میدهد اما با این وجود باز هم در روش علاج نمی‌گردد، سرمایه‌ها بفرمان او بحرکت در نمی‌آیند و باز هم تنه‌ها راه چاره را در افزایش سرمایه و ورود اموال و خرید کالاها و مصرفی مورد نیاز از دست‌ان غریبی می‌یابد.

تنه‌ها به چند نمونه کوچک توجه کنید: شرکت ایروزول اینترنشنال انگلیسی قرار دادی ۳/۴ میلیون دلار جهت تحویل ۵ میلیون قوطی حشره‌کش با ایران بسته‌است. گروه تولیدی نیپون استیل ژاپنی قرار دادی برای تحویل ۱۸۰ هزار تن تولیدات فلزی با ایران بسته‌است. شرکت توپوکویو ژاپنی در حد وادریه بیست ماه ۶۰۰ کامیون سبک به ایران فروخته و پیش بینی میکنند پس از جنگ این تقاضا به ۷۰۰۰ عدد برسد. شرکت نیسان در اول سال ۱۹۸۲ تعداد ۵ هزار کامیون ۲ تنی به ایران فروخته و پیش بینی میکنند این رقم افزایش یابد. نیازی نیست در مورد وارداتی چون گرامر ترکیه، روغن از ترکیه و یا مرغ و تخم مرغ و ارزن و برنج و ... نیز صحبت کنیم.

بهر رویارها گفته‌ایم علی‌رغم تمامی التماس و درخواستهای رژیم از سرمایه‌داران، سیل وارداتی که از مرزهای زمینی و هوایی و دریایی جاریست خود بحران زاست و به سر هم خوردن هر چه بیشتر تعادل سرمایه در بخشهای تجاری و تولیدی بیاری می‌رساند و رژیم را پیش از پیش به سوی مرگ سوق میدهد.

اما بهتر و باید پرسید در قبال حرکت اخیر رژیم، در قبال پس رفتن برده‌های فریب، در مقابل حمایتی بد بینگونه‌علنی از سرمایه‌داران که شاهدیم وظیفه چیست؟ سخن بر سر این نیست که در شرایط کنونی باید بودهاها را سازمان داد، باید کمیته‌های مخفی را در کارخانجات از آنچنان گسترده‌گی برخوردار کرد و آنچنان کارگران وسیعی را حول آن متشکل ساخت که تنه‌ها روی رژیم در بر راه اندازی چرخ پوسید سرمایه را به کابوس بدل ساخت بلکه مشتقی نیز بر

دهان معدود سرمایه‌های سرگردان و سرمایه‌داران طمع کاری گویند که عوت رژیم را جهت حضور در ضیافت نظم و امنیت میبذیرند. این وظیفه‌مدتهاست پیش روی ماست.

سخن بر سر اینست که هر دو روی‌های رژیم زمینها پیش از پیش مساعد ساخته است تا بتوان خشم و کین کارگران را سمت و سوی هر چه بیشتر طبقاتی بخشید. اینک عربان ترازمیشه ارتباط تمامی قتل و کشتارها، سرکوب و زندانها، ارتباط تمامی ستم و آزار آمدن از سوی رژیم بر توده‌های زحمتکش با سرمایه و سرمایه‌داری روشن است. اینک رژیم خود، با زبان خود ماهیت کشف را بیان میکند.

در آخرین ارزیابی که در نشریه کار از دهنیات حاکم بر توده‌ها ارائه دادیم گفته بودیم، هر چند وسیعترین اقشار توده‌ها اینک خواهان سرنگونی رژیمند اما خشم و کینشان نه بر راستایی طبقاتی بلکه بر ضد آخوند، پاسدار، خمینی و ... متمرکز است و گفته بودیم که پیشرو و موظف است جنبش را بر راستایی طبقاتی سازمان دهد اینک زمینه‌های پیش برای انجام این وظیفه آماده است. باید سخنان سران در حمایت از سرمایه‌داران، میان کارگران و زحمتکشان برود. باید خط و مرز طبقات را در جنبش موجود پیش از پیش ترسیم کرد. و بدین طریق اعمال رهبری پرولتاریا، طبقه‌ای که بیش از همه زبستگرهای موجود رنج میکشد را تدارک دید. باید با روشن کردن هر چه بیشتر پیوند تمامی ستم سیاسی که بر توده‌ها اعمال میشود با ماهیت سرمایه‌داران رژیم بغض و کین مترکم در کارگران و زحمتکشان را بسوی بنیان‌های نظم پوسید حاکم معطوف ساخت.

این امر نه‌جدا از سازماندهی توده‌ها، نه‌جدا از بسیج وسیعترین اقشار خلق بلکه در ارتباط تنگاتنگ با آن و در جهت هر چه قدر رتعدتگر ساختن نیروی است که متشکل میگردد. بدانگونه که همین میگوید: جمع کردن فعالیت سوسیالیستی و مکراتیک در یک واحد کل یعنی در یک مبارزه واحد طبقاتی پرولتاریا باعث ضعف جنبش مکراتیک یا مبارزه‌سوسیالیستی نمی‌گردد، بلکه باعث تقویت آن میشود.

هرچه گسترده‌تر یاد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



نکته

بقیه از صفحه ۱
مطلوب جامعه
(سر مقاله جمهوری اسلامی ۱۷ / ۹ / ۶۰)
میباشند بزبان دیگر شوراهای عالی
وظیفه دارند مرحله ادغام کامل
نهادهای انقلابی در ماشین
دولتی بورژوازی را هدایت نمایند .
شورای عالی در شرایط فعلی ارگانهای
متعدد در تصمیم گیری احوال مرکزیت
شورایی متمرکز میکنند تا به مرور در جهت
نظام وزارتخانه‌های آنها را در گانه‌های
رسمی کشور ادغام کنند . تضاد بین
ائتلاف جدید و خط امام تجلی
خود را به بهترین صورت در موقوفات
ارگانهای تصمیم گیری و سردمداران
خط امام در مقابل این شوراهای
نشان میدهد .

بالا ترین شورای عالی ، شورای
رهبری است که مدتهاست حجتیه‌ای
- ها آنرا مطرح میکنند و اینک با حاد
شدن اختلافات زمینه تشکیک آن
فراهم شده است . هاد وی عضو
حقوقدان شورای نگهبان در ۱۲ / ۵ / ۶۰
میگوید مجلس خبرگان باید
تشکیل شود و مانند مجلس شورای
اسلامی و شورای نگهبان بعنوان یک
نهادهای دائمی همیشه وجود داشته

باشد هدف از تشکیل مجلس
خبرگان جانشین مقام رهبریست . . .
امام هم بر تشکیل مجلس خبرگان تاکید
فرموده اند برگزاری انتخابات
منوط بدستور امام خمینی . . . میباشد
(اطلاعات) بر طبق اصل ۱۰۷ قانون
اساسی برای جانشینی مقام رهبری
" خبرگان منتخب مردم . . . هرگاه
یک مرجع را دارای برحسبکی خاص
برای رهبری ببینند او را بعنوان رهبر
بمردم معرفی مینمایند و گرنه سه یا

پنج مرجع واجد شرایط رهبری را به
عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و
به مردم معرفی میکنند . " خط امام
با تشکیل این شورایشدت مخالف -
است اما همانگونه که جریان امور
شوراهای عالی اقتصاد ، توزیع ،
تلیفات و . . . را به او تحمیل کرد
این شورانیزبایی اثرش در نقش
خمینی در معادلات سیاسی و
اختلافات در جناح بر او تحمیل
خواهد شد .

شورای عالی دفاع ، شورای نگهبان ،
شورای عالی قضایی ، شورای عالی
اقتصاد ، شورای عالی توزیع ، شورای

عالی تلیفات و . . . که مرور شکل
گرفته اند پایه‌های مادی شورای
رهبری و سنگرهای ائتلاف جد بد علیه
خط امام است .
خط امام یاد فاع از استقلال
نهادهای مکتبی - غیررسمی ،
استقلال مجلس و یاد فاع از استقلال
شوراهای بخش و شهرستان و استان
در مقابل قوه مجریه میبود می‌شود از
موجودیت خود در مقابل ائتلاف
جدید دفاع کند . اینک به بررسی
شوراهای عالی و نقش تمرکز دهند
آنها میپردازیم .

شورای نگهبان : ۵ / ۵ / ۶۱ مهدوی
کسی عضو فقهای شورای نگهبان در
مصاحبه‌ای با اطلاعات گفت
شورای نگهبان اصرار دارد تمام
نهادهای انقلابی بطریقی وابسته به
دولت باشند نه تنها نظر رسمی
آقای کنی عضو فقهای شورای نگهبان
بلکه عملکرد این شوراموید آن است که
این ارگان به هر طریق میکوشد دولت
را تقویت و خط امام را تضعیف
کند . از یک جانب نهادهای انقلابی
را به زیر سلطه دولت بکشاند و از سوی
دیگر امکان سلطه پارلمان را در تمامی
زمینه‌ها و از ان جمله در رابطه با اعمال
فشار بر کابینه و شورای عالی قضایی
محدود نماید تا در عمل پارلمان بزیر
سلطه قوه اجراییه درآید .

ماده ۱۵ آئیننامه داخلی مجلس به
هر نماینده حق میدهد وزرا را تحت
تفحص و تحقیق قرار دهند . شورای
نگهبان در ۲۳ / ۳ / ۶۱ ضمن بررسی
آئین نامه مصوبه مجلس این حق را رد
میکند و آنرا مغایر با قانون اساسی
می‌شناسد . بدین ترتیب از حالت
نمایندگان در کاروزرا جلوگیری میکند .
طبق ماده ۱۶۶ همین آئین نامه
رسیدگی به اتهام نمایندگان مجلس
به کمیسیون قضایی مجلس واگذار
شده است شورای نگهبان این ماده
را نیز مغایر با قانون اساسی شناخته
بعلت اینکناقی استقلال قوه قضائیه
است رد میکند . مخالفت شورای
نگهبان بر این اساس است که رسیدگی
به اتهام نمایندگان مجلس حق قوه
قضائیه است و مسلم است که با اعمال
این حق نمایندگان زیر سلطه قوه
قضائیه و ارگانهای اجرایی کشیده
میشوند . از همین رو مجلس مقاومت
میکند و نظر شورای نگهبان انصیب پذیر
این مواد نیز مانند بسیاری از مواد دیگر
سکوت میماند تا پیشرفت جریان امور
ورود بر روی قوه قضائیه با مجلس بر سر
رسیدگی به اتهام یکی از نمایندگان

انرا بشکل عمل حل نماید .
از سوی دیگر شورای نگهبان نقش
جماعی بر سر مجلس را داراست که
اکثریت داشتن خط امام در مجلس
را از کار آبی می‌اندازد و بار کردن و
یا سکوت نهادن لواط و طر حهای
مصوبه مجلس خط امام را بر پارلمان
یعنی یکی از مهمترین پایگاههای پیش
فلاح میسازد (به این موضوع باز
خواهیم گشت) باید توجه داشت که
شورای نگهبان صرفاً یک ارگان قانون
- گذاری است به همین جهت توان
مقابله اش با پارلمان محدود است و
این محدودیت تنها با کمک ارگانهایی
اجرائی چون شورای عالی قضایی و
کابینه قابل رفع است . همین نیاز به
اتحاد این پیماگان در جهت پیشبرد
سیاستهای ائتلاف جدید می‌انجامد .

شورای عالی قضایی : همانگونه که
در کار ۱۵۳ نوشتیم نهادهای
دولتی که در ارتباط مستقیم با قوه
- ها بید تحت فشار آنها از چهار چوب
قانون فراتر میروند محسوسند
در جهت جلوگیری از انفجارهای
شدید توده‌های قواین را زیر پا بگذارند
در این میان نمایندگان سیاسی روابط
عقب ماند سرمایه داری نیز برای تحت
فشار قرار دادن رژیم و گرفتن امتیاز به
نفع منافع قشری طبقاتی خود در
سخنرانیها و روابط خود با نهادهای
انقلابی این اعمال را دامن میزنند و
بدین ترتیب موجب آخلال در برقراری
نظم و امنیت مطلوب سرمایه‌اند .
ایجاد امنیت برای سرمایه بدون
ایجاد یک دولت قوی و متمرکز معنی
نیست . از همین روست که شورای عالی
قضایی با پیام خمینی حمله همه جانبه
- ای را به سپاه و کمیته‌ها آغاز میکند .

خمینی در تاریخ ۱۷ / ۹ / ۶۰ در -
پیامی خطاب به شورای عالی قضایی
میگوید افراد غیر مسئول احتمالاً
از گروههای منحرف و گاهی مقامات
مسئول برخلاف مقررات بطور سر خود
به تقسیم املاک و مصادره امور و
اشخاص میپردازند مقرر فرمائید که
. مقامات مسئول مورد نظر
خمینی چه کسانی هستند ؟ همانروز
موسوی اردبیلی طی مصاحبه‌ای میگوید
" همه میبایست به قانون احترام
بگذارند آنان که در سخنرانیها و
اجرای قانون اعمال سلیقه میکنند باید
بدانند برخلاف خطی هستند که
دولت میدهد " پیروان پیام و این
مصاحبه‌ها در استان کل انقلاب طی
اطلاعیهای مقامات مسئول مورد نظر
بقیه در صفحه ۸

پیر و زیاد مبارزات ضد امپریالیستی و مکرانیک خلقهای ایران

خمینی را مورد خطاب قرار داد و آنها را به پیروی از قوه قضائیه تهدید میکند . . . پاسداران سپاه و کمیته ها

بدون کسب مجوز قانونی از مراجع قضائی به هیچوجه حق احضار، دستگیری، توقیف و ضبط اموال را ندارند . . . در غیر اینصورت تحت پیگرد قانونی قرار میگیرند . . . در ۶۰/۹/۱۸ شورای عالی قضائی طی نامه ای خواستار رسیدگی بازرسی کل کشور به همه تخلفات موسسات دولتی و انقلابی میشود . . . در ۶۰/۹/۱۹

بازرسی کل کشور طی نامه ای به نخست وزیر و شورایی سپاه پاسداران میخواهد سپاه از شتابزدگی و دخالت در امور قضایی و اجرای قانون خارج از صلاحیت خود جداگانه و در مقام مواضع گیری مسئولین مختلف در مقابل پیام امام، موضعگیری نرم و چند پهلوی و فسقهای تلاش پیچیده خط امام را در حفظ استقلال این نهادها به نمایش می نهد . . . بهبرادران عزیز که با حسن نیت احیاناً تخلف آنها باعث ضرورت چنان پیامی شده است اطمینان میدهم . . . نیازی به عجله نیست . . .

تلاشهای همه جانبه شورای عالی قضایی که بقول ارد بیللی "خط دولت" پیش میرود چند ماه بعد بالاخره به پاره شدن و طغیان و مقاومت "خط امام" در ۶۰/۵/۵ مه دی کسی طی مصاحبه ای اعلام میکند که "خبر را طی تبصره ای کمیته های زیر نظر وزارت کشور و وابسته به آن وزارتخانه قرار گرفته اند . . . بعد لیل همین اعمال قدرت شورای عالی قضایی در پیشبرد اهدافش است که در روز بعد از پیام امام احمد عطار می نمایند هاراک با عصیانیت در مجلس فریاد میزنند . . . قوه قضائیه هم اینک در بنیاد و یوار بلند و دست نیافتنی قرار گرفته که هر عملی در آن میتواند واقع شود بی آنکه تحقیق و تفحص در زمینه آن بسازد نمی ممکن باشد" و این فریاد "خط امام" است که عملگردهای شورای عالی قضایی و کابینه را در پیرو د یواری بلند و دست نیافتنی می یابد.

اما فعالیت شورای عالی قضائی در تثبیت نظام وزارتخانه ای (اصطلاحی که نشریه دانشگان انقلاب بکار میبرد) به کمیته ها و سپاه ختم نمیشود و در گام های انقلاب را نیز در پیرو قرار میدهد . . . در ۶۱/۳/۱۱ آیت الله ربانی املشی در استان کل کشور میگوید . . . مشکل اصلی ما که سبب شد طرح ادغام دادگاههای انقلاب و دادگستری را مطرح کنیم همان

نخستین کمیته

روگانی قوه قضائیه است برای این کار تا جایی که ممکن است بدون تصمیم مجلس پیش میرویم و هر جا که به اشکال برخوردیم و احتیاج به قانون جدیدی داریم لایحه ای نیز تنظیم کرد ما را به مجلس خواهیم فرستاد شورای عالی قضایی بدینگونه در پشت دیوار بلند و دست نیافتنی قدرت خود حتی مجلس را نیز به هیچ میگرد. موسوی ارد بیللی نیز سالها در غام دادگاههای انقلاب در دادگستری مطرح میکنند و در اینجاست که موسوی شیرازی در استان گل انقلاب اسلامی در دفاع از حفظ استقلال نهاد های ضد انقلابی، خط شورای عالی قضایی را که گفته موسوی ارد بیللی خط دولت است بزرگ سوال میکند . . . امروز سالها در غام را مطرح کردن با زیر پای انقلاب است . . . من به آنها می گویم که این حرف را مطرح کرد ماند بد بین نیستیم ولی عهد ما این است که کینه این خط خط کیست که ما اینجا

رسید ما است؟ دادگاههای انقلاب باید باشد (۶۱/۳/۱) - اطلاعات) رسید محسن موسوی شیرازی نمایند و شیرازی در ۶۱/۳/۱۹ در توضیح این مسأله که این خط خطی که شورای نگهبان، شورای عالی قضایی و کابینه تمام نیروی خود را جهت پیشبردش بکار گرفته اند خط کیست میگویند از جمله خطوط انحرافی و غرب گرا که بدست انقلاب اسلامی و به همت مردم مسلمان منزوی شد و به مردم سیاسی پیوست و عمر سیاسی آن پایان پذیرفت خط نهضت آزاد است . . . مسن امروزه با همه محترم جمعه و بعضی از فضلا حوزه و بعضی نمایندگان و برادر عزیز و بزرگوارمان آقای هاشمی هشدار میگردیم که آمریکا حرکت جدیدی و نقشه جدیدی را در داخل کشور آغاز کرده است و میخواهد این خط را از انزوای بیرون بیاورد و در راز مدت باز هم از این خط بهره ببرد . . .

قوه مجریه : قوه مجریه بنا به بنیاد لیبیرال - بوروکراتیک خود جایگاه و زادگاه واقعی ائتلاف جدید است. و خطوط اساسی این ائتلاف را به بارزترین و پیگیرترین صورت در نیال میزند . . . از این نظر هم پیش از دیگر ارگانها در پیروست تا جایی که خط امام قرار داد . . . در ۶۱/۹/۲ از موسوی نخستین

وزیر سوال میشود به نظر شما رابطه واحد نهضت های آزاد به بخش سپاه با وزارت امور خارجه چگونه باید باشد ؟ موسوی نخست وزیر پاسخ میدهد . . . وزارت امور خارجه از نظر خط سیاسی باید در کشور ما حاکمیت داشته باشد . . . اگر بخوایم قاطعانه عمل کنیم باید یک صدا وجود داشته

باشد و از یک کانال صدا جریان پیدا کند . به همین جهت ما باید سعی کنیم که وزارت امور خارجه را در این زمینه یاری کنیم و قوت بیشتری بدهیم (روزنامه جمهوری اسلامی) . این قاطعیت ریاست کابینه در تمرکز امور تحلی خود را در تشکیل شورای عالی و از آنجمله شوراهای عالی توزیع و اقتصاد بخوبی نشان میدهند. در تاریخ ۶۰/۹/۱۰ طی اطلاعیه ای تشکیل شورای عالی اسلامی نظارت بر توزیع عادلانه کالا تحت ریاست سرپرست

شهرداری تهران اعلام میشود . . . در ۶۰/۹/۱۶ هاتمی پور سرپرست استان داری تهران و رئیس شورای عالی نظارت بر توزیع در مورد علت تشکیل آن میگوید . . . مهمترین عاملی که باعث تشکیل این شورا شد کند شدن توزیع در فترت های سهمیه خواربار و عدم تطبیق تقسیمات ۲۰ گانه شهر داری با تقسیمات ۱۴ گانه کمیته ها بود چون توزیع کالاها منطبقا انجام میشود بنا بر این لازم بود که بین مناطق مختلف و ارگانهای مسئول هر منطقه هماهنگی بوجود بیاید. بنا بر این تصمیم گرفته شد از کمیته ها که سرپرستی آنها پارو حاکمیت مبارز است ۲۰ نماینده شرکت کنند که در واقع هم نمایند کمیته و هم نمایند کمیته مرکزی هستند و این عدل بر اساس تقسیمات

شهرداری عمل خواهند کرد . . . در شورای عالی توزیع وزارت بازرگانی مسئول تهیه کالا است، طرح توزیع و تقسیم کالا با ستاد بسیج اقتصادی است و استانداری عامل اجرای آن است کمیته ها بعنوان ضابطه بین دادگستری و جوامع و حاکمیت مبارز بعنوان هماهنگ عمل خواهند کرد مدتها بود که و جریان متخاصم "خط امام" (جریان حاکم در ستاد بسیج اقتصادی) و حجتیه در مورد تسلط بر توزیع داخلی کشاکش داشتند با این طرح توزیع داخلی تحت کنترل و اداره کامل دولت قرار گرفت و ستاد بسیج اقتصادی نقش تعیین کننده خود در توزیع را کاملاً به وزارت بازرگانی به عنوان تهیه کننده کالا و استانداری بعنوان مجری بقیه در صفحه ۹

تولید

بقیه از صفحه ۸

حوزه معاونت امور نهادها تا سپس
گردید است. . . (کیهان ۶۱/۸/۸)
وید نهال آن موسوی در مصاحبی در
۱/۴/۱۱ میگوید انجمنهای
اسلامی برای آنکه بتوانند هم چنان به
عنوان یک نهاد انقلابی کوشش داشته
باشند. . . نباید در امور مربوط به
مدیریت و خالت داشته باشند. یک
وزیر یا مسئول قبل از اینکه در برابر
انجمنهای اسلامی پاسخگو باشد در
برابر مجلس و هیات دولت باید جوابگو
باشد. . .

در سال ۶۰ شورای عالی تبلیغات
سازمان تبلیغات اسلامی و شورای
هماهنگی تبلیغات اسلامی را تحت
رهبری وزیر پوشش خود میبرد. مقاومت
خط امام به حد شدن تضاد شورای
انجمنهای اسلامی و برخی خشمهای
تبلیغاتی نهاد های انقلابی
می انجامد. شورای این زمینه دست
بد امن خمینی میشود و وظیفه نامهای
مهیوسد اگر بخواهد این حرکت فعال
و گسترده شود بایستی با همکاری
سازمانها و نهاد های دولتی و ارگانهای
انقلابی باشد و این همکاری جز با
تأمین و تصویب مقام معظم رهبری
ممکن نیست. خمینی بر رهبری شورا
صحه مینهد و در پاسخ خود در ۱۰/۴
۶۱ میگوید "لازم است نهاد های
دولتی و ارگانهای انقلابی و زیربط
در این وظیفه الهی با شورای مد کور
همکاری جدی نمایند. . ."

در ۲۲/۴/۶۱ از سوی علی اکبر
پرورش وزیر آموزش و پرورش لایحه یک
فوری تشکیل شورای عالی فرهنگ
جمهوری اسلامی تقدیم مجلس میشود.
پرورش ضمن ارائه لایحه میگوید
مسالهای که ما را بر آن داشت که این
لا بخراتقدیم مجلس کنیم چند چیز
بود یکی وجود شوراهای متعدد و مراجع
مختلف تصمیم گیری. . . کسه در
حقیقت تد اخل وظرفه ایجاد میکند و
اگر این شورا بوجود آید میتواند مسائل
فرهنگی جمهوری اسلامی را از سیاست
واحد و نظام واحد برخوردار نماید *
خط امام در مقابل این لایحه
می ایستد و آنرا رد میکند.

نشریه دانشگاه انقلاب ما هناممه
جهاد دانشگاهی در شماره مرد ماه
خود در ضمیمه شماره ۱۴ به تحلیل و
بررسی طرح شورای عالی فرهنگی
میرد از این تحلیل هر چند رو به
بقیه از صفحه ۱

باز هم گیری لایحه مربوط به مراکز
خدمات روستایی توسط دولت از
مجلس بود خواهان توقف سریع
تشکیل این مراکز توسط وزارت کشاورزی
و انتقال امکانات آنها به جهاد مستقیم
(اطلاعات ۶۰/۱۱/۳) خط
امام فریاد میکشد، دولت راه خود
را میروید.

در اوایل سال ۶۰ از سوی شورای
انقلاب هیاتی بنام کمیته کالای متروکه
با شرکت نمایندگان بنیاد مسکن،
بنیاد مستضعفان، جهاد سازندگی
و نمایندگان استانهای کل کشور بعنوان
ناظر تشکیل شد. این کمیته نیز مورد
هجوم دولت قرار گرفت. خزاعی مخبر
کمیسیون اقتصاد و آرای بر این
رابطه میگوید "بعد از مدتی که وضعیت
دولت تشبیت شد. . . و قرار شد امور
اجرائی در تمام کشور در کانال
اختیارات دولت قرار گیرد طبق
لا بحد دولت قرار شد اختیارات کمیته
کالای متروکه به هیات تعیین شده از
سوی دولت واگذار شود." (کیهان
۶۱/۵/۲)

از دیگر ارگانهای دست و پا گیر قوه
محریه انجمنهای اسلامی هستند
عائقه صدیقی در ۲۶/۲/۶۱ ضمن
اشاره به اختلاف نظرهایی که بین
برخی از مسئولین ادارات و ارگانها و
انجمن اسلامی ها وجود دارد میگوید
". . . با کمال تاسف بعضی مسئولین
دست به شیوه های غیر اسلامی زده و
باعث بهم ریختگی انجمن ها

گردیده اند. . . از مسئولین متعبد
میخواهیم سوابق اشخاصی را که به
آنها مسئولیت داده میشود مورد
بررسی قرار دهند تا این نهاد نو پای
انقلابی از هم نباشد. امام در پاسخ
از سوی نخست وزیر شورای نهاد های
انقلاب برای تمرکز امور نهادها تشکیل
میشود. . . و دی معاون نخست وزیر
در امور نهادها میگوید. . . این
شوراها از مسئولین نهاد های انقلابی
و امام جمعه و استانها تشکیل میشود.
. . . در شورای مرکز علا و میر مسئولین
نهاد های انقلاب اسلامی، وزیر کشور
و نخست وزیر شرکت میکنند و دیگر کل
شورا آقای نخست وزیر است" (اطلاعات
۶۱/۳/۸)

یکما بعد در بخشنامه های
از سوی نخست وزیر در ارتباط با
تمرکز انجمنهای اسلامی گفته میشود
". . . به منظور حل مشکلات و ایجاد
هماهنگی بیشتر بین انجمنهای اسلامی
و مسئولین اجرائی و رسیدگی به امور
مربوطه فتری در نخست وزیری -

طرح واگذار نمود.
سلطه قوه محریه اعمال شد. امام وقت
به این نیز بسند نکرد و با مصوبه ای -
ستاد بسیج اقتصاد ویرایشگی کامل
زیر سلطه خود قرار داد. . . در جلسه
هیات دولت اساسا مستاد بسیج
مصوبه شورای عالی اقتصاد به تصویب
رسید. . . این ستاد وابسته به شورای
عالی اقتصاد عمل خواهد کرد مصوبات
ستاد بسیج اقتصاد می مشروط بر اینکه
ناقض وظایف قانونی وزارتخانه ها
نباشد لازم الاجراست. در صورت
عدم انطباق تصمیمات ستاد با
سیاستهای کشور شورای عالی اقتصاد
میتواند این تصمیمات را متوقف و یا کان
لم یکن اعلام و به هیات دولت گزارش
کند" (کیهان - ۶۰/۹/۱۲)

در ۱۴/۹/۶۰ از طرف خمینی
نخست وزیر، رئیس شورای عالی
اقتصاد، به عنوان مسئول بنیاد
مستضعفان منصوب میشود. در ۱۱/۳/۶۰
نخست وزیر طی حکمی بصیر پرست
بنیاد مستضعفان اعلام میکند. . .
مسئولین بنیاد در سراسر کشور فعالیتهای
- های مرکز بنیاد را به صورت نوبه ای
به مرکز گزارش کنند. گزارشات لازم به
مجلس و دولت نیز صرفا از سوی بنیاد
مرکز ارسال گردد. بنیاد مرکز نیز تحت
رہاست خود نخست وزیر و تحت کنترل
شورای عالی اقتصاد است.

در ۲۴/۹/۶۰ علیرضا افشار
عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی با
خشم تمام فریاد بر می کشد "لان در
روستا های که جهاد شعبه دارد در
کنارش مراکز خدماتی توسط وزارت
کشاورزی ایجاد شده که تا هماغهنگی
بوجود آورد است." در همان گزارش
سلامتی وزیر کشاورزی و عضو شورای عالی
اقتصاد میگوید. . . قرار بود این
مراکز که یک کار چند بعدی است به
بسیله جهاد نظارت شود اما بعضی
آزیرادان جهاد معتقدند
کار اجرائی را هم آنها باید انجام
دهند. باید اضافه کنیم طبق مصوبه
(طرح ایجاد مراکز خدمات کشاورزی)
جهاد سازندگی در آن صرفا نقش
نظارت و کنترل را دارد. در مقابل

مصوبه هیات دولت جهاد گران که
ارگان اجرائی خط امام اند شدیدا
مقاومت میکنند. در قطعنامه سومین
سمینار سراسری جهاد سازندگی
خواستهای زیر تصریح میشود. . .
خواهائیم امور مربوط به روستاها و
عشایر بر دراز نظام دست و پا گیر
اداری و بوروکرات حاکم بر آنها به
جهاد سازندگی سپرده شود و خواهان

نتیجه

بقیة از صفحه ۹

شورای عالی فرهنگ در آما حاصل اختلافات خط امام و اختلاف جدید است و نکات گریه تضاد این دو خط را مطرح میسازد. یکی از دانشجویان عضو شورای ستاد انقلاب فرهنگی در این رابطه میگوید: . . . همیشه تضاد بین جریان انقلاب فرهنگی و روح حاکم بر دانشگاهها و روح حاکم بر تشکیلات وزارت و وزارت فرهنگ و آموزش عالی وجود داشته و در این رابطه در چند ماه اخیر تضادها و اختلافات بین وزیر علوم و ستاد انقلاب فرهنگی در مورد حیطه مسئولیتها و اختیارات و انجام امور پیش آمده بود. این اختلافات تا مطرح شدن آن در رنزد امام و سپس در بین مقامهای بالای مطکنتی کشیده شد. فعالیتها در مورد طرح نویسی که اختیارات و مسئولیتها را ستاد انقلاب فرهنگی و جریان انقلاب فرهنگی را محدود تر میکند و در یکگانال خاص قرار دهد از طرف وزارت فرهنگ و آموزش عالی در چند ماه اخیر مشاهده شد تا بالاخره طرح اخیر از طرف وزیر علوم آموزش عالی تهیه و به هیئت دولت داد شد. همین در انشجود ر مورد انگیزه اساسی مطرح شدن این طرح میگوید: . . . دولت و قوه مجریه و وزارت علوم تمرکز بیشتر جریان انقلاب فرهنگی در قوه مجریه و هماهنگی تصمیم گیری هر چه بیشتر نسبت به جریان انقلاب فرهنگی را طالب میباشند.

ما در بررسی مقدّماتی خود از شکل گیری "ائتلاف جدید" گفتیم که یکی از اصول وحدت جریانهایی مختلف این ائتلاف جدایی بین از سیاست است که در مرحله کنونی با محدود کردن اختیارات روحانیون در ارگانها از در حالت به نظارت به پیش میبرند. در همین رابطه یکی از اعضای جبهه فرهنگ میگوید: کسانی که طرح شورای عالی فرهنگ را تهیه کردند نه تنها در رابطه با تهیه و تنظیم طرح از حوزههای علمیه هیچ کمکی نگرفتند و هیچ نقشی برای آن قائل نبودند حتی حضور نماینده روحانیت و جامعه مدرسین حوزه علمیه را نیز در این شورامطرح نکردند. بطور خلاصه در تشکیلات جدید، حرکت کلی فرهنگی کشور را بهتر بگوییم انقلاب فرهنگی از تحت نظر مستقیم ولی فقیه خارج شده است و این یکی از مهمترین ضعفهای طرح مصوبه دولت میباشد.

اما اختلاف جبهه گران "خط امامی" به طرح شورای عالی فرهنگ محدود نمیشود تمامی مقالات حاکی از آغاز

افشاگریهای علنی "خط امام" علیه "ائتلاف جدید" و سیاستهای کلی آن است. در مقاله ای تحت عنوان "انقلاب فرهنگی و نظام وزارتخانه‌های آید ما ست مسئولین قوه اجرائیه بین و امر که یکی تشبیه نظام وزارتخانه‌های جبهه تمرکز امورا اجرایی همراه با جذب و با حذف نهاد های انقلابی و دووم تن در این به نا هماهنگی موجود بین مراکز اجرائی دولتی و نهاد های انقلابی است قرار گرفته اند می نویسند "خط امامی" عاجزانه میسرند چگونه میتوان از نهادی که از بد و انقلاب تلاش کرد و به حد اقل ساخته و جان در راه هدف با خسته انتظار داشت که به این سادگی به تمکین ضابطه های بنشیند که تا بحال با آن بیگانه نبود و با آن به مبارزه برخاسته است

ما با ارائه شواهد متعدد نشان دادیم که مسئولین اجرائی مدتهاست در جهت ایجاد "نظام وزارتخانه‌های برنامه ریزی و حرکت کرد ماند و خط امام نیز هر چند نه به این سادگی اما چاره‌های جز تمکین ندارد. "مجلس بدون کابینه، بدون ارتش، بدون مردم، بدون افکار عمومی . . . و بدون هیچ چیز - چنین مجلسی رفته رفته به پارلمان قدیم فرانسه تبدیل شد که کارها را به دولت واگذار میکرد و خود به اعتراضهای یلند کند آمیز قناعات میورزید [۸] بر و ملوثی بناپارت - مارکس) آری "خط امام" نیز به همین سوی میروند بدون کمیته‌ها، بدون انجمنهای اسلامی، بدون سپاه و . . . بدون مردم، از همین رو است که مبارزه ما بین "خط امام" و "ائتلاف جدید" که تبلور خود را در مبارزه بین کابینه و مجلس یافته است از شکل پنهان درآمده، بصورت رسمی اعلام شده است، خونینی ها علنا و صریحا دولت، ائتلاف جدید و اهداف آنها را افشا میکند و دولت عملا تفوق خود بر نهاد های انقلابی را بر رخ میکند. اما همانگونه که گام به گام سالها در نبال کردیم و نشان دادیم پهر و تمام سو نهاد های "خط امام" محکومند تا بر ضوابطی که برخاسته از ضرورت ایجاد ما شین دولتی یکبار چه و متعزکراس است گردن نهند. ماهنامه مردم از ماه دانشگاه و انقلاب می نویسند "نوعه‌هایی که تا بحال موجود بود حکایت از ایجاد یک سری تعارضات وسیع میکند که سرانجام یا منجر به مطیع ساختن فرد یا ضابطه انقلابی شده و یا به حذف آن انجامیده است."

حتی مهمترین زائد مسلح "خط امام" یعنی سپاه پاسداران علمبر غم مقاومت در مقابل این ضابطه تد رجا و بطور ضمنی مجبور به گردن نهادن به

آن میشود. اساسا مسیاه که بسیاری از نمایندگان "خط امام" مدافع آن بودند به علت فشارهای جریان مقابل ارگانی بنام وزارت سپاه به ثبت رسانید. ارگانی که تحت ریاست کابینه قرار دارد و مسلما در خط ائتلاف جدید خواهد بود. وظیفه وزارت - سپاه بیشتر سیاست است ادغام تد رچی سپاه در دولت است. محسن رضایی فرمانده کل سپاه در ۱۶/۵/۶۱ طی مصاحبه‌ای میگوید: . . . سپاه پاسداران ارگانی زیر نظر هیست است این ارگان باید دولت ارتباطی نداشته. برای اینکه یک هماهنگی بین این ارگان و دولت بوجود آید وزارتخانه سپاه بوجود آمد. (اطلاعات)

روشن است "ائتلاف جدید" در مقابل "خط امام" شکل گرفته است که با تسلط بر قوه مجریه و یاری نهاد های چون شوراهای عالی میگوید تمام نهاد های ضد انقلابی "خط امام" را بر زیر سلطه خود کشید و در ماشین دولتی بورژوازی ادغام کند. میگوید با مهاردن بر نقش روحانیت در امور و تقلیل این نقش جدایی بین از سیاست را پیش برد و در این رابطه شرایط و وسایل لازم جهت برقراری نظم و امنیت بورژوازی را مهیا سازد. تقابل دولت و مجلس انعکاس مبارز و عوای این دو خط است تقابلی که در بطن خود شکافی عمیق در درون هیئت حاکمه ایجاد کرده است که بر زمینه وحدت بی سابقه تناقضات اجتماعی انفجاری قریب الوقوع را نوید میدهد. انفجاری که از درون آن خشم توده‌ها زبانه خواهد کشید و سودای ائتلاف جدید را در حل بن بست قدرت، برقراری نظم و امنیت و تشبیه هیئت حاکمه نقش بر آب خواهد کرد.



در گیریهای "خط امام" با "ائتلاف جدید" که با استیضاح گناباد و وزیر مسکن و شهرسازی شکل حاد تری بخود گرفت محدود به اختلافات تاکتیکی در رابطه با روپنا و سیاسی حاکم نمی‌گردد بلکه ریشه در اختلافات و جریان در رابطه با پیشبرد سیاستهای اقتصادی و ارائه راه‌حلهای متفاوت جهت برون رفت از بحران دارد. در بررسی "خط امام" گفتیم که این خط خواهان رفورم اقتصادی به نفع روابط عقب مانده سرمایه‌داری، به سود سرمایه‌های انگلیسی و غیر مولد، سرمایه‌تجاری متوسط است و از در حالت دولت در امر تولید و توزیع تا حد کنترل دفاع میکند. جناح حجتیه که مخالف هر گونه رفورم و بقیه از صفحه ۱۱



خط امام بر سر کشف راه حل اقتصادی صحیح حدل میکنند و به افشای سیاستهای بحران زای یکدیگر میپردازند مسئولین اجرایی کشور در جریان عمل راه مستقل خود را می یابند. طرحهای منصوبه مجلس را در بسیاری مواقع از آنرو کهها واقعیات سیستم نمی خوانند کنار می نهند، عوض میکنند و در هر کجا که این را میسر نبود لا یحده

به مجلس میبرند و بدینظریه خط صحیح لیبیرالسم اقتصادی را پیشه میکنند. بصورتیکه خشم نمایندگان خط امام در مجلس سرریز میکند و

وحمدی در ۲۱/۲/۶۱ می گوید نزدیک به ۲ سال از عمر مجلس گذشته... و هنوز بسیاری از قوانین این کشور اسلامی، غیر اسلامی است و ما باید با این طرحهای قانونی، قوانین اسلامی را جایگزین آنها کنیم و نباید به انتظار گواچ دولت بنشینیم و دولت معمولاً در قوانینی که در عمل با مشکل برخورد میکند برای حل مشکل خود لا یحده تقدیم مجلس میکند اما در وفرباد ناطقین بی اثر است. مسئولین اجرایی مستقیماً با تضادهای همه جانبه سیستم بیمار امپریالیستی دست بگریبند و از اینرو برای اینکه لای چرخهای پوسیده هاین نظام خرد نشوند اجباراً تابع آن میگردد. لیبیرالسم اقتصادی بیش از پیش به سیاست دولت بدل میشود به صورتی که علناً و صریحاً مصوبه مالک و ستا جرسال ۵۶ را در مقابل طرح نمایندگان مجلس می نهد و هر سیاست اقتصادی مطروحه از سوی مجلس را در هر کجا که مقتضیات عینی سیستم نخواند زیر پا میهنند. شواهد و دلایل خود گویای این مطلب است.

لیبرالسم اقتصادی اینبار در پوشش گابینه موسوی و در نام اختلاف جدید رخ نمود است و سیاست اقتصادی گابینه موسوی قاع از رفرم تسهیل رحدی متناسب با روند تکاملی

سرمایه داری وابسته و با تاکید بر محدود بودن نقش دولت در تولید و توزیع در حد نظارت است. این سیاست بر

کانالیزه کردن سرمایه ها بسوی تولید و ایجاد توازن بین بخشهای مختلف سرمایه تاکید دارد و معبارت دیگر تدابیر منطقی از سیاست اقتصادی شاهنشاهی را میطلبد.

از نیمه دوم سال ۶۰ که عقب نشینی انقلاب بتدریج متوقف میشود، رعب و وحشت حاصل از سرکوب دیوانه وار ارتجاع شروع به فرو ریختن میکند و تناقضات تعمیقی یافته اجتماع از کارخانه و صوف و گود سر بر می آورد و محدودیت سلاح سرکوب در مقابل بحران عمومی چهره می نماید برای رفع این معضل چاره اندیشی اقتصادی در راس امور قرار میگیرد و از اینرو اختلاف بر سر مسائل اقتصادی بالا میگیرد. مباحث، لوایح و طرحهای اقتصادی به کانون اختلاف جناحهای رژیم بدل میشود. حتی در نماز جمعه تضاد های درونی خط امام را بر ملا میکند، خانه های او و جناح را از درگیری بر خیزد و محمد یزدی بایک مصاحبه مطبوعاتی دیدگاههای اقتصادی حجتیه را تشریح میکند و با تصریح بر اینکه "اقتصاد کشور با بندج حل نمیشود" و باید از راه صحیح این مگرک را زمین برد بن بست در و جناح را در مبارزه با بحران رشد یافته اقتصادی بیان میکند. در حالیکه ایدئولوگها، روحانیون و سخنرانان

بقیه از صفحه ۱۰

مدافع تقدس مالکیت به شکل نامحدود و آن است در خالست دولت در امور اقتصادی بر اتبهادر حد نظارت میبذیرد.

در نیمه دوم سال ۶۰ با عمد ه شدن اختلافات پیرامون خط امام و قدرت گیری تدریجی اختلاف جدید در مقابل راه حل های اقتصادی و جناح یار د یگرا راه حل های اقتصادی لیبیرالها جهت برون رفت از بحران زمینه تبلیغ و پیشبرد می یابد. اینبار گابینه اختلاف موسوی با ارکان مقتدری چون شورای عالی اقتصاد ما مورد قاع و پیشبرد این سیاست که در وجه عمد ه هدف کانالیزه کردن سرمایه ها بسوی تولید و ایجاد هماهنگی بین بخشهای مختلف سرمایه را دنبال میکنند میگردد و در این رابطه در مقابل سیاستهای رفرمیستی - ارتجاعی خط امام قد علم میکنند. وزیران در پی مورد بازخواست نمایندگان قرار میگیرند، گابینه آماج حملات خط امام میشود و فواد کریمی در جلسه علنی ۱۴/۵/۶۱ مجلس به افشای لیبیرالسم اقتصادی میپردازد... لیبیرالسم اقتصادی هنوز فعالیت میکند و گاه گستاخی را به آنها می رساند که فقهای متعبد و در خط امام را متهم به سوسیالیسم و اتهامات مشابه مینماید... چهره واقعی لیبیرالسم اقتصاد را تحت هر پوشش و نام شناخته و همانطور که خط لیبیرالسم سیاسی را بر انداختند خط لیبیرالسم اقتصادی را نیز که بر علیه مردم ایثارگر ما و خط امام توطئه میکند به زباله دان تاریخ بریزند.

باید. و چون سلاحی برند در مقابل مزدوران رژیم قرار گیرد. این عامل باعث شد که حرکت نتواند تا اوم - منطقی خود را که همانا ارتقا سطح آگاهی و تشکل تاکسیرانان و ستیابو به خواستهای مشخص آنها بود، بیابد

این وظیفه عنصر پیشرو است که با شرکت فعال در مبارزات تاکسیرانان در جهت ایجاد تشکلی مناسب و منطبق با شرایط خاص این صنف، تشکلی مخفی که قادر باشد مبارزات تاکسیرانان را بصورتی سازمان یافته هدایت و رهبری نماید، حرکت کند.

سرعت میگرفتن و بلند گوهار را جمع آوری نمود ه از دسترس رانندگان دور ساختند. با اینکه عوامل مسلح رژیم در میان جمع حاضر بودند لیکن پس از مشاهده فرو چهر رانندگان به سرعت بر تعداد افراد مسلح افزوده شد تا اینکه با تهدید و اراغاب بتوان رانندگان را به اردن رای وادار نمود که البته بی نتیجه ماند.

نکته بارز در حرکت اعتراضی تاکسیرانان عدم حضور فعال پیشرو بود. این عامل باعث شد که حرکت نتواند بشکلی سازمان یافته انجام

انتخابات تعاونی... بقیه از صفحه ۳

دست شهرداری از سر شرکت تعاونی واداره امور شرکت توسط نمایندگان خود شدند. برای اولین بار خواست اجرای ساعت کار در روز پهن خواستهای تاکسیرانان مطرح شد.

قریب به سه هزار برگ رای در بین تاکسیرانان توزیع شد اما با تحریم فعال تاکسیرانان رو بر و شد و رانندگان از دادن رای خود داری نمودند. روحیه تعرضی تاکسیرانان بحدی بود که عوامل رژیم بو حشت افتاده به

د رستش بصورت زیر بود و بدین صورت تصحیح میشود... گفتمشایات محلی توسط پیشرو تهیه میشود و حیطة توزیع آنها عمدتاً کارگران میانه و نیروهای مترقی است

توضیح و پوزش... در قسمت دوم مقاله خطاب به میلفین (۲) کار ۱۵۵ صفحه ۸ در مقوله تبلیغ کتبی و اشکال پیشبرد آن در وسط آخر اشتباه میباشد که

اعتصاب

است ، اعتصابتی را در امن میزند که نه بخاطر منافع صنفی خود ، بلکه به منظور پشتیبانی از اعتصابات و مبارزات دیگران صورت میگیرد . مثلاً کارگران کارخانه جیت تهران فقط به منظور اعلام پشتیبانی از خواسته های کارگران کارخانه جیت ری دست به اعتصاب میزنند . این قبیل اعتصابات که طی این مرحله روبرو گسترش می گذارد ، نشانه آگاهی است که کارگران از طریق شرکت در مبارزات و اعتصابات جذب کرده اند .

بطور خلاصه ، در این مرحله ، اعتصابات از تظاهرات خیابانی پیشی میگیرد و شکل اصلی مبارزه توده ها میشود . هنوز شعارهای مستقیم سیاسی از طرف اعتصابیون عنوان نمیشود ، لیکن بدلیل توده های بودن اعتصابات و مطالبات مشترک ، که حکومت و طبقه سرمایه دار را در مقابل کل طبقه کارگرو توده ها قرار میدهد ، اعتصاب توده های جنبه سیاسی دارد . در مشخصه اصلی اعتصابات در قدرت فلیج کنندگی و قدرت سازماندهی و بسیجی آن نهفته است . از یکسو ، بدلیل وسعتی که اعتصابات در راهستند ، دستگاه دولت را کاملاً فلج کرده ، آنرا تضعیف میکند و قدرت مانور را برای سرکوبی مبارزات از حکومت سلب مینمایند . از سوی دیگر اعتصابات ، اقتدار کارمندان و عقب ماندن افعال کرده آنها را بسوی مبارزندان توده راجع مبارزه نهیمنت آنها را بارور مینماید . و به این ترتیب امکان ارتقاء مطالبات ، شعارها و مبارزات را مهیا میگرداند . اعتصابات توده های وتداوم آنها ، ضرورت نفی سازمانهای فرمایشی و ایجاد تشکیلات مستقل و آزاد ، ایجاد تشکیلهای طبقاتی پرولتاریا را آشکار کرده و زمینه های اولیه ایجاد این تشکیلات را در خود میپروراند .

مرحله سوم ، اعتصاب عمومی سیاسی : این مرحله از اعتصابات ، ادامه تعمیق یافته مرحله قبیل است با این تفاوت که شعارها و مطالبات مستقیم سیاسی از طرف اعتصابیون اعلام میگردد .

باز شدن دانشگاهها ، پس از دو هفته اعتصاب دانشجویی در نیمه دوم مهر ماه ، تظاهرات سیاسی جدیدی را در امن زد . به دنبال واقعه خونبار ۱۷ شهریور تظاهرات بدون اینکه متوقف شود ، اعتبار در جه اول خود را از دست داد و اعتصابات توده های و طبقه اصلی بسیج و پیشبرد مبارزه را بر عهد گرفت . حال ، در این مرحله ، حرکتی در جهت ادغام محتضایات توده های و تظاهرات و سیاسی شدن هر چه بیشتر جوجامعه انجام می یابد .

در تظاهراتی که در صبح ۲۹ مهر ماه از طرف دانشجویان انقلابی در دانشگاه برگزار میشود ، شعارهای سیاسی صریح و روشنی اعلام میگردد

کمیسیون خیلی سریع توده ها کمر شده و جز مطالبات اساسی اعتصاب کنندگان قرار نمیگیرد . بر قطع نامه این دانشجویان : " لفظ حکومت نظامی ، آزادی زندانیان سیاسی ، اخراج مستشاران - نظامی و غیر نظامی امپریالیستها ، آزادی قلم ، بیان ، اجتماعات و احزاب " مطالبه شده است و در جهت حمایت از خواسته های بقیه اعتصابیون " انحلال سازمان کارگران و ایجاد سندیکا های واقعی کارگری ، ایجاد گانون معلمان و . . . " عنوان شده است . شعارهای این دانشجویان ، علیه حکومت ، گارد و نیروهای انتظامی و در پیوند با کارگران و زحمتکشان تنظیم شد . در بعد از ظهر همان روز ، انبوهی دیگر از دانشجویان با در دست داشتن عکس بزرگی از خمینی در دانشگاه به تظاهرات پرداختند . این دانشجویان با شعارهای الله اکبر ، نصر من الله وفتح قریب ، و با حمایت از مبارزین فلسطین ، فیکسین واریتیره به تظاهرات خود در آن روز پایان داد و در روزهای بعد نیز با تظاهرات پشت سر همی که ترتیب میدادند ، جو تظاهرات را بطور کلی در دست گرفتند .

کارگران و بقیه اعتصابیون که با شرکت در مبارزات و اعتصابات توده های ، به اندازده هه سال تجربه اند وخته و آگاهی کسب کرده بودند ، تحت شرایط سیاسی جدید در عین حالیکه تضاد های نهفته در تظاهرات صبح و عصر دانشگاه را در می یافتند اگر چه نزدیکی خود با خواسته های مطرحه لژسوی دانشجویان انقلابی را حس میکردند اما بدلیل نداشتن رهبری انقلابی ، نداشتن تشکیلات سازماندهی و نبود آگاهی طبقاتی کل حرکات اعتراضی اینان بصورت احتیاطناپذیری در سطح عمومی تابع رهبری جنبش لیبرال - مذهبی قرار میگرفت . این امر اهمیت اساسی و قاطع رهبری طبقاتی جنبش را (که بارها در تجربه های جهانی خود را نشان داد) بیش از پیش آشکار کرد . (به این ساله بعد ادوباره باز میگردد)

بهر حال ، در این مرحله همانگونه که گفته شد ، اعتصابات با زهم بیشتر گسترش یافت و مطالبات مستقیم سیاسی در صدر قرار گرفت . در قطعنامه کارگران پالایشگاه آبادان ، بعنوان یک نمونه متعارف عیناً چنین میخوانیم : " ما کارگران پالایشگاه آبادان بخاطر همبستگی با خواهان و برادران کارمند شرکت نفت و سایر طبقات ملت ایران ، اینک خواسته های ملی خود را که در اولویت قرار دارند اعلام میداریم . ۱ - حمایت و پشتیبانی کامل از خواسته های کارمندان صنعت نفت . ۲ - لفظ حکومت نظامی . ۳ - آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و بازگشت تبعید شدگان . ۴ - انحلال سازمان امنیت و اطلاعات کشور . ۵ - تعقیب و مجازات کلیه ملان کشتار اخیر ایران . ۶ - تعقیب و مجازات متجاوزین بیت المال . ۷ - برگرداندن روز صنعت نفت از مردم ادبیه ۲۹ آسفند . ۸ - رسیدگی به خواسته های فرهنگیان کشور . ۹ - رسیدگی و اجرای خواسته های قبلی کارگران صنعت نفت . در این مرحله از بقیه در صفحه ۱۴

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



اعتصاب

• • • بقیه از صفحه ۱۳

ضربهای کاری لازم بود تا سیستم را رها کنند .
اعتصاب عمومی سیاسی از چنین کارایی برخوردار نبود .

البته این راهم باید اضافه کرد که بویژه اعتصابات کارگری در عمق بهیشتی خود ادامه میداد . به این معنی که خطوط مستقلی از حرکت و خواستهها که از مراحل قبل شکل گرفته بود ، مشخصتر و عمیقتر میشد . اتحادی اعلام نشد بین روشنفکران انقلابی و کارگران بسته شد بود . دانشجویانی بهمان اعتصابات کارگری میرفتند و کارگران برای اجتماعات و تظاهرات نظر از سکوی آشگاه میره مند میشدند . بحث اساسی این جلسات را چگونگی ایجاد تشکیلات کارگری تشکیل میداد .

در این میان رهبری جنبش هم بیگانه نشسته و برای اینکه کارگران و موکراتهای انقلابی را با هم بهم بزرگ رهبری خود داشته باشد ، به ایجاد " کمیته‌های هفتگی اعتصابات " بقصد ارشاد ، هماهنگ نمودن و رهبری کردن آنان بر مبنای خواستههای خود دست میزد . این تجربه ای بود که قبلاً در مورد تظاهرات با ایجاد " کمیته برکزاری امپماتی " انجام گرفته بود و نتیجه نسبتاً موفقیت آمیز بود . اما در مورد اعتصابات ، نتوانست بخوبی نقش خود را ایفا کند .

بهر حال در بهمن ماه ، محدویت شیوه‌های مبارزاتی سابق و از جمله اعتصابات توده‌ای ، خود را کاملاً آشکار کرد . بن بست موجود در مبارزات باید شکسته میشد . رهبران ، مشغول چانه زنی با هوپیز ، سران ارتش و نخست وزیر وقت (بختیار) برای اتمام مبارزات توده‌ها بودند و هر دو دست‌ها از تعمیق بیشتر مبارزات و ورود آن به مرحله بالاتر (قیام) بیگانه اندازده را داشتند . مساله مورد بحث آنها چگونگی حل مسالمت آمیز انتقال قدرت ، بدون در خالت توده‌ها بود . در سوی دیگر ، توده‌ها که در اعتصابات و مبارزات خیابانی ، به تجربه ، ناگزیری مرحله بالاتری از مبارزات را درک کرده بودند ، به قیام میاندیشیدند . شمارها ، حول مبارزه مسلحانه دور میزد ، رهبران ، رهبران ، مارا مسلح کنید ، و از آنرو که از سوی رهبران خیانتکار پاسخی نیامد و از آنرو که سازمانهای انقلابی نیز توان و تشکیلات لازم برای پاسخگویی به این خواسته توده‌ای را نداشتند فراروی اعتصاب عمومی سیاسی به قیام نیز روندی خود بخودی یافت توده‌ها به مبارزات یکسره بند خیابانی پرداختند ، به مراکز سرکوب یورش آوردند مسلح شدند و قیامی شکوهمند را علمبرغم خواسته رهبران شکل دادند . بن بست اعتصاب عمومی سیاسی شکسته شد و اعتصاب به قیام فراروتید .

دوران جدیدی از مبارزه برای کارگران و موکراتهای انقلابی فرارسید . خرد هیوروازی سنتی که در ابتدا تحت رهبری هیوروازی تجاری و همچنین لیبرالها آغازگر تظاهرات خیابانی بود ، و کارگران و کارمندان را به مبارزه جلب کرده بود ، اینکه از صحنه مبارزه خارج شد بود . حال آنکه برای کارگران آغازی نبود .

با قیام بهمن ماه ، اعتصاب عمومی سیاسی که در یگردر شکل و محتوای سابق ، نقش سپهری شد بود ، به یک سلسله از اعتصابات تجزیه شد . اگر چه یکبار چگونگی اعتصابات در هم فرو ریخت ، لیکن تعمیق یافت و خواستههای طبقاتی بطرز مشخصتری از درون آن شروع به شکل گیری کرد .

اعتصابات ، مطالبات ، خواستههای صنفی را تحت الشعاع قرار میداد . پشتیبانی از مبارزات و مطالبات یکدیگر ایجاب گسترده‌ای بخود میکرد . اتحاد مطالباتی کارگران و شیوه‌های مشترک مبارزه ، از یکسو ضرورت سازمان‌یابی متحد کارگران ، و از سوی دیگر همبستگی آنان با دانشجویان ، معلمان و کارمندان مبارزان بعینه آشکار میگردد . اعتصابات ، بنا به ظرفیت افزایش یابند ما انقلاب و نوع برخورد حکومت با مبارزات و اعتصابات ، اشکال متنوعی از مبارزه را از خود موهبا هر شکل ، توان رزی خود را ارتقا داده است . در این زمینه ، اعتصاب مطبوعات که پیش از و ما مطبوعات کشید ، اگر چه از لحاظ کلی سیستم ارتباطات و خبردهی رافاج کرد ، اما سبب شد که اعتصابیون با انتشار بولتن ، خبرنگارها و اعلامیه‌های تجربی را در یگردر نیز از سر بندر رانند و اجتماعات و تحصن‌ها بصورت مراکز تجمع برای تبادل نظریات ، کسب خبر و خبر دهی و تبلیغ درآید .

مرحله چهارم ، بن بست اعتصاب عمومی سیاسی :

اعتصابات کلیه کارگانیهای کشوری را فرا گرفته بود و در درهما با اعتصاب غذای همافران ، صرفت گه‌گه‌های از نیروهای انتظامی راهم شامل شود . اوج اعتصابات توده‌ای در عین حال ، محدودیت‌های این شیوه مبارزاتی را برای سرنگونی رژیم قبلی و استقرار نظامی نوین ، عیان میکرد . چرخ کارخانه‌ها از حرکت ایستاده بود ، حمل و نقل و توزیع مختل شد ، ادارات و موسسات تعطیل و بی‌انیمه تعطیل بودند . مدارس و دانشگاهها از حرکت روزمره‌ها ایستاده بودند و حتی بیمارستانها راهم اعتصاب فرا گرفته بود . قدرت فلج کنندگی اعتصابی تراز بود و دیگر جایی باقی نمانده بود که مبارزتها اعتصاب به آنجا بتوان قدرت حکومتی را ضعیفتر کرد . مداومت اعتصابات طی چندین ماه ، توده‌های کشوری را بسیج کرد و آنها را به فرصت‌زدگی سیاسی گشوده بود ، اما این رسالت نیز در اوج خود در یگردر خط تقریباً مستقیمی به پیش میرفت .

در اوائل بهمن ماه روزنامه‌ها اعلام کردند که ۳/۵ میلیون کارگر ایرانی ۳ ماه است حقوق نگرفته‌اند ، و علاوه بر این تعدادی از کارگرها (که آمار رسمی آن منتشر نشد) اخراج شده‌اند . با این وجود کارگران تحمل کرده و به اعتصابات ادامه دادند . اما این مشکلی بود که به صورت اعتصابات طولانی مدت را که از قبل برای این تدارک دیده نشده بود ، تهدید میکرد . انقلاب برای قطعیت بخشیدن به سرنگونی نظامی که توان خود را طی یک سری مبارزات و اعتصابات توده‌ها آزمودست داد بود ، مرحله بالاتری از مبارزه‌های طلبید .

اگر گفته میشود که اعتصابات عمومی در اوج خود ، بن بست بهیشتی را با شیوه‌های موجود مبارزه نشان داد ، به این معنی نیست که شور و شوق انقلابی توده‌ها و تحریک آنها هم به بن بست رسید میباشد . اعتصاب عمومی سیاسی نقش خود را در قطع کردن سیستم حاکم ایفا کرد بود اینک

خطاب به مبلغین

۴

میرسد ، مصادرزه جراضورت داشته است ، امکانات مالی این نهاد در خدمت چه کسانی است و مصادرزه به چه کسانی ضرر زده است . توده ها چگونه میتوانند در رابطه با مشکلات خود مثلا کمیون ما یحتاج عمومی مصادرزه های ساده تر مثل مصادرزه یک انبار احتکار شده را بشکستل جمعی سامان دهند .

متون مشخص با امضای کمیته های مخفی

متون توسط هسته مرکزی کمیته مخفی مقاومت بنا اعتصاب تهیه میشود و عمدتاً خطاب به زحمتکشان است که در محیطه فعالیت آن کمیته قرار دارند . در تهیه این متون تصمیم با هسته مرکزی کمیته است و رفقایی که در این هسته مرکزی شرکت دارند با منطق مبارزاتی و به عنوان فردی مترقی باید بتوانند بطریق غیر مستقیم ایدها و نظرات سازمان را در رابطه با هر مساله مشخص به هسته مرکزی کمیته قول دهند و در متن وارد کنند و بدین ترتیب در پروسه عمل و دستبرد ریح انوریتسا زمان را بر کمیته اعمال نمایند . در تهیه این متون فاکتورها و شواهدی که در محیطه فعالیت کمیته برد عمومی دارد و برای اکثریت زحمتکشان آن محدود و آشناست مبنای حرکت قرار داد هویه توده ها را رهنمود مشخص عمل داد میشود . و بر این اساس سطح آگاهی توده ها بالا تر برد میشود . اشکال مبارزاتی و نیز جسارت مبارزاتی آنها ارتقای باید و در پروسه حول کمیته ها متشکل میشوند . این متون ممکن است مضامین زیر را در برگیرد .

■ متون افشاگرانه : متونی هستند که خبر و اتفاق را که رژیم و اپوزیسیون ضد انقلابی و یا خائنین به جنبش را بیش از پیش رسوا میکنند اما اکثریت مردم از آن مطلع نیستند افشاگرانه ها بررسی آن در ارائه رهنمود مشخص به توده ها میبرد از . معجزه زرد را در لحظه ارتکاب عمل میگیرد . مثلاً انبار احتکاری در محل هست ، رژیم و مزدوران آن مطلع نیستند اما بیعت ساخت و یا خت آنرا مخفی نگه میدارند . کمیته مخفی مقاومت با افشای این ارتباط و نیز محل انبار رابطه نهاد های دولتی و سرمایه داران را در وجه مشخص نشان میدهد . و با توجه به روحیه ویتانسیل مبارزاتی مردم محل رهنمود صادر ره انبار را امید هد و یا مردم را در جهت گشودن در انبار و فروش ارزان مواد آن به اهالی بسیج می نماید . در تهیه این متون سرعت عمل و صحت خبر و دواصل کاملاً اساسی است .

■ متون رهنمودی : متونی هستند که کمیته در رابطه با ارتقا اعتراضات و مبارزات مردم محیطه عمل خود مینویسد و در آنها با توجه یک حرکت مشخص که در لحظه جریان دارد یا اتفاق افتاده است رهنمود میدهد . بعنوان مثال در کارخانه ای اعتراضات نسبت به لغو اضافه کاری بالا گرفته و روحیه برای حرکت جمعی آماده است اما تصمیم منسجم و غالبی بر کارگران حاکم نیست پیشرو نیز بعلت شرایط خفقان و فشار قادر به اظهار نظر کردن علنی نیست در این بقیه در صفحه ۱۶

متون مشخص با امضای هواداران سازمان

این متون معمولاً توسط رفقای مرکزی تشکلی هوادار تنظیم میشود . در این متون با اتکا به مبارزات روزمره توده ها و همچنین مشاهدات و تجارب عملی انبار رهنمود های مبارزاتی (عام نسبت به رهنمود های کمیته های مخفی و خاص نسبت به رهنمود های سازمان) ضرورت سرنگونی رژیم ، ضرورت اعتصاب عمومی و قیام مسلحانه و ضرورت تشکل و تسلیح توده ها مطرح می گردد . رفقادر نوشتن این متون فاکتورها و شواهدی را که در جامعه مطرح میگردد و ابعا در همگانی می یابد باید در حوزه عملکرد خود شان برد همگانی دارد - نقطه حرکت خود قرار میدهند مثلاً وقتی شریعتمداری با کمترین فشار توبه میکند آنرا مبنی قرار میدهد و با قیاس با مقاومت حماسی انقلابیون زیر شکنجه های وحشیانه و بررسی علت آن حقانیت اپوزیسیون انقلابی را اثبات کرده رهبری انقلابی را تبلیغ میکند . وقتی اعتراض در صفاها بالا میگردد اما مکرراً شاهدید که از حد نقز دن و فحش دادن به پاسداران بالا تر نمی رود در صورتیکه در منطقه یا شهر خود مواجه اید که زحمتکشان صفا حرکت جمعی کرده و ما یحتاج لازم را به دست آورد هاند آنرا مبنی قرار دهید و با تبلیغ مشخص روی آن و انتقال این تجربه دیگر توده ها را از حد نقز دن به انجام عمل مستقیم انقلابی تشویق نموده به آنها رهنمود مشخص دهید .

وقتی کفایشای خرید بازار بدلیل گرانی و کمیون مواد اولیه دست به تظاهراتی هر چند محدود و جزئی میزنند از آن سرسری نگذرید بلافاصله بیانیهای تهیه کنید و با تشریح فشار وارد بر کسبه جز و جهاول تجار ضرورت سرنگونی رژیم حماسی سرمایه داران را تصریح نموده الکترونات پیرو کمونیستها در این مورد یعنی ملی گردن تجارت خارجی و تجارت بزرگ داخلی و تضمین منافع کسبه خرید را توضیح دهید و آنها را به تشکل و مبارزه فراخوانید

متون محلی در عین حال میتوانند در مورد سوزده فعالیت های نظامی جوخه های رزمی یا گروه های هوادار و یا بررسی و نقد تجارب مبارزاتی باشند . در تهیه متون راجع به سوزده های نظامی باید به موارد زیر توجه کامل داشت .

سوزده عملیات چه کسی بوده و چه کاره بوده است . اعمال سرگوبگرانه اثر چیست ، علت ترور یا حمله چه بوده ، وظایف توده ها در این رابطه چیست - اگر سوزده عملیات یک نهاد ضد انقلابی است مشخص کنید که ، این نهاد چه وظایفی ضد مردمی بر عهده داشته ، سیستم سازماندهی آن در رابطه با ارگانهای بالا تر چیست ، این ضربه چه تأثیری در گسترش مبارزات توده ای دارد . وظایف توده ها در این مورد چیست - اگر سوزده عملیات صادره است مشخص کنید ، صادره در چه جهت است و به چه مصرفی



خطاب ...

بقیه از صفحه ۵

صورت کمیته مخفی اعتصاب در اسرع وقت بیانیه کوتاه می نویسد (حتی دست نویس و در چند نسخه) و رهنمودهای لازم را می دهد. یادری محله ای مردم بعنوان اعتراض به توزیع مرغ به مسجد مراجعه میکنند اعتراضات بالا می گیرد اما جوابی نمی گیرند و بعزت عدم آگاهی به حرکت عالیتر عقب می نشینند در این مورد کمیته مخفی محل متنی می نویسد و با توضیح ارتباط مسجد با ارگانهای بالا تر و نقش آنها علت بی نتیجه ماندن اعتراض مردم را بررسی کرده با آوردن نمونه هایی از حرکت موفق در دیگر محلات رهنمود مشخص برای حرکت بعدی می دهد. این نوع متون از نظر سازماندهی توده ها از مهمترین متون انتشاراتی کمیته هاست. در پاره ای مواقع نیز بین دو نوع متن افشاگرانه و رهنمودی پیوندی برقرار میگردد یعنی کمیته در اعلامیه خود در عین افشای یک حرکت ضد مردمی از رژیم یا نهادها آن به ارائه رهنمود حرکت جهت مقابله با آن میپردازد.

متون اخطار و هشدار: متونی هستند که خطاب به مزدوران یا سرپرندگان رژیم نوشته میشود و بسته به میزان ضد خلقی بودن اعمال آنان، به آنها اخطار یا هشدار داده میشود. یا خطاب به عناصر ناآگاه طرفدار رژیم و توده های پائینی ارگانهای مسلح نوشته شده عواقب کار آنها به آنان گوشزد میشود. در تهیه این متون باید نهایت دقت بکار رود به عناصر مختلف (مزدور و بیانا آگاه) برخورد یلسانی نشود. معمولاً به مزدورانی که در خدمت رژیمند و مستقیم یا غیر مستقیم پول دریافت میدارند اخطار داده میشود با این مهم که اخطار حتماً باید قابل اجرا باشد زیرا اگر تنها در حرف باقی بماند در صورت تکرار اعمال ضد خلقی مزدور اجرا نشود اعتبار کمیته خدشدار میگردد. متون اخطاری و سیما در سطح مردم پخش میشود و در ضمن اخطار به مزدور و رهنمودهای قابل اجراییز به توده ها میدهد تا در ریحام مردم رابطه تقابل عملی با مزدوران یکشانند اما متون هشدار در خانه عناصر ناآگاه انداخته میشود یا در جیب و کمد لباس او در محل کار نهان میشود و هشدار داده میشود که در صورت تکرار عمل و سیما در میان مردم پخش خواهد شد. در آغاز این متون حتی قبل از تیتراگه اخطار یا هشدار بصورت درشت نوشته میشود.

متون اطلاعیه ای: این متون در رابطه با دعوت توده ها به انجام عمل مشخصی در زمان معینی (مثلاً شرکت در مراسم تشییع یک شهید) مطلع کردن توده ها از تشکیل کمیته مخفی محله ... و وظایف و اهداف آن، مطلع کردن توده ها از اقدامات و یا حتی نیازهای کمیته و ... نوشته میشوند این متون که تحت نام

اطلاعیه کمیته مخفی ... منتشر میشوند به کمیته بعنوان یک نهاد موجود تصمصیم گیرنده اتورته و رسمیت می بخشند و باعث نفوذ بیشتر آن میشوند.

متون توضیحی: کمیته مخفی در رابطه با اقدامات تبیینی، مصادرهای و یا نظامی که توسط کمیته رزمی خود انجام میدهد (و این تنها در شرایط شد یافته کمیته است) در مورد مبارزین محل و یا موسسه که در جهت مبارزه علیه رژیم شهید و یادستگیر شده اند، در جهت اظهار همدردی با خانواده ها و اغدیده های که فرزندش را در جنگ از دست میدهد و برای انتقال تجارب مبارزاتی محلات و موسسات دیگر به زحمتکشان حیطه فعالیت خود بیانیه های توضیحی منتشر می کند (هر جا از بیانیه نام میبریم منظورمان تراکت، اعلامیه و یادداشت نویسی است) در بیانیه های راجع به اقدامات نظامی همان نکاتی که در قبل گفته شد باید رعایت شود. در بیانیه های راجع به شهیدای خلق (مترقی و انقلابی) باید با روحیه داین به خانواده شان و روشن کردن اهداف و آرمانهای آنان ضمن تحلیل از حرکتشان اشکال همبستگی و حرکت خانواده های شهید ا طرح شود در عین حال توده ها نیز به حمایت از حرکات خانواده شهید افرا خوانده شوند. در بیانیه های که برای انتقال تجارب مبارزاتی تهیه میشود در ابتدا اقدامات عملی اعتراض مردم محلات و دیگر کارگران کارخانه دیگر یا ... حتی المقدور بازگرمحل و تاریخ شرح داده میشود سپس نقاط ضعف و قوت آن مشخص شده شیوه درست حرکت که باید بکار رود توضیح داده میشود. توجه شود اعتراضات محلی برای توضیح برگزیده شود که اولاً ظرفیت نقد و بررسی داشته باشد ثانیاً در بین اعتراضات دیگر برجستگی داشته باشد. مثلاً اعتراض جمعی مردم محله ای در دروازه غار را که به توزیع نامرتب گوشت شده میتوان در جواب به مورد بررسی قرار داد و یا حرکت اعتراضی کارگران مسلسل سازی را در کارخانه ای در تبریز نقد کرد. در اینگونه متون لازم است خبرگاملا موثق از حرکات اعتراضی و شکل گیری آن داشته باشیم. مهمترین منبع مادر این موارد میتواند ارگان سا زمان و بعد از آن اطلاعیه های خود کمیته های مخفی باشد.

خبرنامه: از متون دیگری که با امضای کمیته های مخفی میتوانند منتشر شود خبرنامه است. هر چند امکانات خبرگیری با توجه به ضعف موجود نیروهای انقلابی محدود میباشد (البته وضع مجاهدین در شرایط بهتری است) هر چند خبرها محدود و جزئی نیز باشند اما دادن یک بیانیه خبری در شروع که در پروسه رشد خود به خبرنامه بدل شود از وظایفی است که هر کمیته باید در صد انجام آن باشد توجه کنید که خبرنامه با نشریه محلی متفاوت است و بر خلاف نشریه محلی در سطح وسیعترین توده ها تهیه و منتشر میشود و علاوه بر آن مطالب خبرنامه در وجه غالب خبری است. در بیانیه خبری میتوان خلاصه ای از اخبار موثق که در ارتباط با کمیته های مخفی دیگر سازمان و ... کسب شده است به همراه خلاصه ای از اتفاقات، درگیریها و مشکلات محلات، مدارس، کارخانجات و ... بقیه در صفحه ۱۲

جنبش مقاومت ...

بقیه از صفحه ۱۸

حما حاجی شاخه) و چند محله پدر کمین نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی نشستند. رفقای پیشمرگ به پخش نشریات و تبلیغ مواضع سازمان و افشای هر چه بیشتر ما هیت رژیم در منش جمهوری اسلامی مبادرت و از جنایات بیشترمانه رژیم در ارتباط با یورش بر نا مریزی شد هحد یست جمهوری اسلامی بگرد ستان برای مردم قهرمان بوکان سخن گفتند ساعت ۹/۱۵ یک اتومبیل تویوتای گشتی مزدوران در خیابان خلیفه کمین پیشمرگان فدائی افتاد و در لحظات اول یورش قهرمانانه فرزندان خلق ۱۳ تن از آنان بهلاکت رسید ، حامیان سرمایه که از وجود پیشمرگان در شهر مطمع شد بودند دیوانه وار هرکوی و برزن را زیر آتش اسلحه های سبک و سنگین خود گرفتند و برای کمک به ماشین گشتی که بگلی منهدم گردیده بود از سه نقطه قصد محاصره پیشمرگان را داشتند . پیشمرگان هشیار و دلیر فدائی در خیابان حمام حاجی شاخه تعداد زیادی از مزدوران را بهلاکت رساندند و با فریاد های مرگ بر خمینی و درود بر فدائی تمامی فضای شهر بوکان را مملو از شور و هیجان نمودند ، فریاد ها و ضجه های پاسداران و جاشبه ها و بسیجیان ضد خلقی حاکی از ضعف و زبونی دشمن بود ، نعره های دشمن شکن پیشمرگان در لیر فدائی مردم قهرمان شهر بوکان ، شهرکاک ابو بکر آرمان را به وجد و شعف آورد ه بود با صدای هر گیار مسلسل پیشمرگ فدائی که آهنگ آزاد ی و ناقوس مرگ رژیم رو به زوال مرتجع جمهوری اسلامی را میتواخت تعدادی از خود فروختگان به زمین می افتادند ، مردم مبارز بوکان با آوردن غدا و جای و شیرینی و حمایت همیشگی شان بار دیگر پیوند خود را با فرزندان دلیبر خلق کرد تا زه کردند ، در این عملیات جسورانه یکی از پیشمرگان فدائی خلق ، رفیق رشید یزدان یناه (سنگو) که فرماندهی عملیات را بعهده داشت پس از سالها مبارزه در راه های زحمتکشسان و استقرار مکراسی و سوسیالیسم به دست آجیر شدگان رژیم متفور جمهوری اسلامی بشهادت رسید .

پس از ش گرامی باد

در ساعت ۳/۰۱ روز ۲۳/۶/۷۱ يك ستون پياد ه از نیروهای ضد خلقی شامل ارتش ، پاسداران ، جاشبه و افراد بسیج که مقصد باصطلاح پاکسازی روستا های قازانتا ، قروه و ولقله آمد ه بودند با مقابل پیشمرگان همیشه قهرمان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران روبرو شد ه و پس از سه ساعت درگیری شدید با بجای گذاشتن تعدادی کشته و مجروح محبور به عقب نشینی شدند در اواسط درگیری يك دستار پیشمرگان سازمان انقلابی زحمتکشان گرد ستان ایران (کومه) دوشاد و شرفقای پیشمرگ سازمان در عملیات شرکت داشتند ، گره مزدوران با سلاح های سبک و سنگین مواضع مستحکم پیشمرگان را مورد حمله قرار دادند ولی هیچگونه تلفات و خساراتی به آنان وارد نشد ، از تعداد تلفات و خسارات دشمن خبر دقیقی در دست نیست .

* * * ۶/۶/۶۱ - در اوائل باعداد این روز سه ستون از مزدوران جمهوری اسلامی (ارتش - سپاه - بسیج و جاشبه ای خود فروش) از سه نقطه به روستاهای قادر آباد ، سید آباد کهریزه شهر یکنند ، قهره گویز هجوم آوردند . ساعت ۲/۴ با تعدادی ستونی که قصد محاصره روستای شهری کند را داشت به کمین پیشمرگان قهرمان فدائی افتاد و در همان لحظات اولیه تعداد بیشماری از نیروهای دشمن بهلاکت رسیدند ، نیروهای سرکوبگر که از این تهاجم پیشمرگان سخت بو حشت افتاد ه بودند با اسلحه های سنگین روستای شهری کند را به توب و خمپاره می بندند ، روستائیان زحمتکش و بی دفاع تصمیم به ترک روستا گرفته و بگوهها و روستاهای اطراف پناهند ه شدند ، در همین حال تعداد دیگری از سرسپردگان به ارتقاغات پشت آباد ی و منبع آب روستای شهری کند رخنه کرد ه ه بود مردم بی دفاع را بگوله بستند تعدادی از احشام را کشته و بخانه های روستا - ثیان خساراتی وارد آوردند ، پیشمرگان فدائی که از قبل در انتظار چنین تهاجم ناخوانده ای بودند بار لا وری و از جان گذشتگی بی نظیری

نیروهای سرکوبگر را معقب نشینی واداشتند و تلفات بشماری به آنان وارد آوردند . پیشمرگان حزب دمکرات در ساعت ۶ با مداد به کمک رفقای پیشمرگ فدائی حرکت کردند و ارتقاغات پشت آباد ی را بگلی از وجود عوامل مزدور رژیم پاک میکنند ، در این فاصله دشمن زبون که در زیر ضربات قهرمانانه پیشمرگان بهر اسر افتاد ه بود با توب ۰۶ (میلیمتری چند خانروستایی را بگلی منهدم کرد . ساعت ۳/۱۰ سه فروند هلیکوپتر حا میان سرمایه به کمک نیروهای سرکوبگر شتافتند . صدای مسلسل های فدائیان خلق و پیشمرگان حزب همراه با سرود های انقلابی و ملی شکوه و جلال خاصی به صحنه نبرد بخشید ه بود ، فریاد مرگ بر خمینی مرگ بر آمریکا و مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی بگلی لحظه قطع نمیشد . تلفات دشمن در این لحظات به بیش از ۷ نفر رسید ه بود . زخمیهای دشمن را میتوان ۳۰ تا ۴۰ نفر تخمین زد . نزد يك ظهیر درگیری در آباد ی قهره گویز شدت گرفت ، پیشمرگان دلاور فدائی و کومه دشمن را در این نقطه کاملاً عقب راندند ، هلیکوپتر های رژیم روستا های اطراف را باراکت و مسلسل کالیبر ۷۵ مورد حمله قرار دادند که خسارات فراوانی به روستا - ثیان زحمتکش وارد آمد . در ساعت ۱۲ ظهر پیشمرگان کومه نیز در جبهه نبرد حضور یافتند ، هجوم نیروهای ارتجاع این بار بطرف روستای قاجر شروع شد و در مقابل حمله پیشمرگان به صفوف آنان دشمن روستای مذکور را بشدت با خمپاره ۱۲۰ میلیمتری توب ۰۶ (میلیمتری و خمپاره های زمانی (تامپالا) زیر حمله گرفت و در این حمله وحشیانه چند خانروستایی بگلی با خاک یکسان شد . درگیری مجدداً در روستای شهری کند شدت یافت و تا ساعت ۷ بعد از ظهر ادامه داشت ضمناً در طول مدت درگیری خرمنهای کشا و رزان زحمتکش و شهید ست روستا های شهری کند و قاجرد راشر به آتش کشیدن آنها توسط رژیم ضد خلقی در آتش میسوخت و باغهای میوه آنان نیز در آتش خمپاره های دشمن آتش گرفته بود . تعداد تلفات دشمن بیش از ۱۵۰ کشته و ۲۰ زخمی است . تعداد زیادی اسلحه سبک و تعداد زیادی مهمات و وسایل نظامی توسط پیشمرگان قهرمان مصادره انقلابی گردید و جمعا ۱۶ نفر از عناصر خود فروخته به اسارت نیروهای انقلابی بر آمدند . همچنین تعدادی از خود رو های دشمن نیز منهدم گردید .

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



جنبش مقاومت خلق کرد



ابراهیم حسینیور قم ۸ - سید مهدی
عبدالباقی اهل تهران ۹ - غلامرضا
احمدیان اهل سمنان ۱۰ - شعبان
قهرمانی اهل ساوه ۱۱ - رضا قنبری
اهل تهران ۱۲ - محمد رضا فیضی آفرا
اهل تبریز ۱۳ - علی فتوحی اهل
گیلان ۱۴ - سید خدیج مهدوی -
اهل صفاخانه ۱۵ - احمد دهقانی
اهل کانی کدوه

ساعت ۷ بامداد روز ۱۷/۶/۶۱
یک ستون بیاد هازد شمتان خلق شامل
ارتش، سپاه، بسیج و جاشها از سو
به نقاط استراتژیک مشرف به روستای
ترجان پورش آوردند که با مقابل
پیشمرگان کومله رو برو شدند پیشمرگان
قهرمان فدائی که از رگیری اطلاع
حاصل کرده بودند بکلمک پیشمرگان
کومله شتافتند و تهاجم دشمن همیشه
زبون را در تصرف ارتفاعات سوق
الجبیشی منطقه با کامی رو برو کردند،
مزدوران که از هر گونه حرکتی بازمانده
بودند و یوانه و ابروستانهای اطراف را
زیر آتش سلاحهای سنگین خود گرفتند
و به خمپاره باران خانههای روستائیان
پر داختند که موجب خسارات مالی
فراوانی شد. پس از سه روز مقاومت
قهرمانان نه پیشمرگان به منظور جلوگیری
از تلفات و خسارات بیشتر به مردم
زحمتکش روستای ترجان تا گزیر به تخلیه
روستای مدکور شدند. در این تهاجم
و خشیانه ۲ نفر از پیشمرگان کومله
بشهادت رسیدند. یادشان گرامی
باد.

در کبری میرزا غنام بدست آمده و اسرا
جسد ۳۶ تن از مزدوران به دست
پیشمرگان افتاد. در این نبرد بیش
از ۸۰ تن از مزدوران کشته ۱۵۰ نفر
زخمی و ۱۰ تن از جاشها و پاسداران و
افراد بسیج به اسارت درآمدند.
۲ تن از پیشمرگان فدائی و ۲ تن از
پیشمرگان دمکرات (به نامهای فدائی
جواد کاشی و انور اعظمی - دمکرات :
کاک طاهروکاک محمد - شهید -
شدند و ۵ تن دیگر نیز زخمی شدند.

غنام بدست آمد به شرح زیر است
۱- ماشین توپوتا یک دستگاه ۲- کالبر
۵۰ یک قبضه ۳- فشنگ کالبر ۵۰
۲۲ صندوق ۴- کلاشینکف ۱ قبضه
۵- تیربار کلاشینکف ۱ قبضه ۶-
خشاب کلاشینکف ۱۸ عدد ۷- تفنگ
ژ- ۳، ۱، ۳ قبضه ۸- خشاب ژ- ۳
۱۷ عدد ۹- تفنگ قناره ۱ قبضه
۱۰- تفنگ برنو ۱ قبضه (اسمی سم
PRC ۶۶ ۲ دستگاه و مقدار بزرگیادی
وسایل نظامی دیگر.

۶۱/۵/۳۰ - صبح این روز
ستونی عظیم مرکب از ارتش، جاش،
پاسدار و بسیج جهت باصطلاح
پاکسازی یا تجهیزیات فراوان و حمایت
۳ هلی کوپتر و همچنین ۳ پایانه دشمن
در محور سقز - بوکان به روستاهای
بغده که نلی و باغلوچه هجوم آوردند.
پیشمرگان فدائی و دمکرات که از قبیل
آمارگی کاشی داشتند در مسیر برگشت
سرکوبگران از باغلوچه به بغده که نلی
به گمین نشستند. در ساعت ۱۰ اولین
ماشین مزدوران که یک توپوتا حامل ۷
نفر و یک قبضه کالبر ۵۰ بود در کمین
پیشمرگان قرار گرفته که آتش پیشمرگان
ماشین را متوقف و ۵ نفر از سرنشینان
آن که پاسدار و بسیج بودند در دم کشته
میشوند کالبر ۵۰ و توپوتا به تصرف
پیشمرگان در می آید و ۲ نفر دیگر نیز
که یکی از آنها باعث زخمی کردن رفیق
شهید جواد کاشی بود به هلاکت
می رسانند. از طرف دیگر یک دسته
دیگر از پیشمرگان فدائی و دمکرات در
همان مسیر دشمن را در رحین اینک از
آتش شدید پیشمرگان بوحشت افتاده
بودند در کمین خود انداخته و به
محاصره در می آورند. دشمن توسط
هلیکوپترهای خود دست به حمله ای
شدید زد و از هر طرف سعی میکرد
مواضع پیشمرگان را بجز آتش راکت و
کالبر خود بگشاید اما چون از این طریق
کاری از پیش نبرد در روستاهای بغده
گفندی و کهریزه و شاریکند به علت
آتش راکت و کالبر تلغاتی مادی به
اهالی زحمتکش منطقه وارد آوردند.
پیشمرگان مواضع خود را مستحکم تر
کرد و اسرا و غنام و وسایل نظامی را به
پشت حبسه حمل میکردند. اهالی
منطقهها کمکهای پدید خود از نظر
حمل و نقل و جمع آوری خوراک و کمک به
مجر و حین و حمل غنام و اسرا اینبار
پر توانتر از هر بار پیوند ناگسستی خود
را با نیروهای انقلابی نشان دادند.
نیروهای ضد بشری خمینی پس از
۹ ساعت مقاومت قهرمانان پیشمرگان
مجبور به عقب نشینی شد. در ضمن

اسامی چندین مزدور که در عملیات
فوق به هلاکت رسیدند : ۱- محمد
محمدی اهل سقز، جاش ۲- احمد
زائری یازهرائی اهل کندولان، جاش
۳- درویش کریم اهل سقز، جاش
۴- رضا هاشمی اهل قم، بسیج ۵-
ابوالفضل نظریان اهل قم، بسیج
۶- محمد مرادی اهل سقز، جاش
۷- محمد رضا صدیقیان اهل قم،
بسیج ۸- اکبر قربانی اهل قم (خور
آباد) بسیج ۹- محمد رضا هدایتی
اهل قم، پاسدار ۱۰- حسین
درویش عرب اهل قم، پاسدار ۱۱-
حمید حسینی نژاد اهل قم، پاسدار.

اسامی دستگیرشدگان : ۱- محمد
علی محمدی اهل بابل ۲- حمید
حسین نژاد ۳- محمد منتظر ...
اهل اصفهان ۴- عیدی فتحی اهل
الیکود ریزه ۵- عیسی حق اهل ورامین
۶- اصغر بدخشان اهل تهران ۷-

از سوی پیشمرگان قهرمان فدائی
عملیات متهورانه ای که نزد یک به شش
ساعت طول کشید بمناسبت بزرگداشت
سالروز شهادت سمی پیشمرگان قهرمان
فدائی که در جنگ و آسایشین شهادت
رسیده بودند انجام گرفت در این
عملیات بیش از ۴۰ تن از مزدوران کشته
و بیش از ۲۰ تن زخمی شدند. یک
ماشین توپوتای کشتی دشمن بکلی
منهدم گردید. تعدادی از سلاحه
سبک و نیز مقداری وسایل نظامی توسط
پیشمرگان مصادره و نقلی گردید.
فرمانده عملیات رفیق رشید یزدان -
بنگاه در این عملیات بشهادت رسید.

۶۱/۶/۲۱ - در ساعت ۸/۳
شب چند دستگاه از پیشمرگان فدائی
پس از کنترل در آوردن دو خیابان
اصلی شهر (خیابان خلق و خیابان
بقیه در صفحه ۱۷